

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۹۹
شنبه ۲۹ آذر ۱۳۵۹، مطابق با
۱۲ صفر ۱۴۰۱، به: ۱۵ ریال

رزمندگی و ایثار خلق و غارتگری غارتگران

جبهه قران داده‌اند، یزرگ‌زنان و مردانی که با رنج شبانه‌روزی، قوت جبهه و پشت جبهه را از دل خاک بیرون میکشند، آنها که برای رزمندگان جان برکف ماه می‌زنند و میدوزند و می‌بافند و بسته‌بندی میکنند، همه و همه همین توده مستضعفی است که انقلاب از خون او جوشیده است و با خون و کار و رنج خود از انقلاب و دستاوردهای آن پاسداری میکند. به گفته امام خمینی: «مردم ما واقعا خونده... هر روزی برای این مملکت مشکلی پیدا میشود، حلالش خود مردم هستند.»

از همین مردم کوچه و بازارند، افراد بسیج مستضعفین، که داوطلبانه برای دفاع از میهن انقلابی به جبهه‌های جنگ شتافته‌اند، از میان همین مردم برخاسته‌اند. آنها که خانه‌های خود را سنگر نبرد علیه دشمن متجاوز ساخته‌اند و کوچه به کوچه و خانه به خانه از زادگاه خود دفاع میکنند، از همین مردمند، کارگرانی که با زوری کار خود را وثیقه تدارک‌رسانان

هست، همان مردم جنوب شهر است، زمانی که نخستین گلوله آتش‌زای دشمن تجاوزکار بر فراز خاک ما به پرواز درآمد، بفرمان امام خمینی، چون پیکری واحد به دفاع از شرف و استقلال و انقلاب خود برخاست و با همه هستی خود به میدان آمد. پاسداران و سربازانی که چنین جانانه در جبهه‌های جنگ می‌رزمند و زندگی جوان خود را وثیقه پیروزی انقلاب قرار داده‌اند

توده مصمم و رزمنده و ایثارگر، در کوره آزمایش جنگ تحمیلی، سیمای غرورآفرینی از خود ترسیم کرده است. توده محرومی که یکبار قهرمان پیروزی بر نظام اهریمنی طاغوت شد، اکنون در هنگامه نبرد نیز، خود را عامل قاطع پیروزی بر امپریالیسم جنایتکار امریکا نشان داده‌است. این توده‌فداکار که، از زبان امام خمینی، همان مردم کوچه و بازار و خیابان-

حجت الاسلام خامنه‌ای:

زنان سهم بسیار موثری در این حرکتی که ملت ایران دارد انجام میدهد، داشتند

✽ اصرار دارم بگویم شورای دفاع در امر فرماندهی نظامی هیچگونه تصرفی ندارد و نمیکند
نماز جمعه دیروز تهران. همانند جمعه‌های گذشته با حضور ده‌ها هزار تن نمازگزار در دانشگاه تهران برگزار شد. در این مراسم و قبل از شروع خطبه‌های نماز، کياوش نماینده مجلس شورای اسلامی از خوزستان سخن گفت. آنگاه حجت‌الاسلام خامنه‌ای امام جمعه تهران به ایراد خطبه‌های نماز پرداخت. وی در خطبه نخست به توطئه‌هایی که از جانب محافل معینی برای خدشه‌وارد آوردن به اجتماع با شکوه مردم در مراسم نمازهای جمعه صورت می‌گیرد بقیه در صفحه ۷

تصمیمات انقلابی در وزارت آموزش و پرورش

فن برگیرند. آقای نائینی در این زمینه میگوید:
«در این دوره عمومی ما باید فرد را برای زندگی کردن در یک جامعه اسلامی آماده کنیم. مثلا باید خواندن و نوشتن را به اندازه فهم و درک بداند، به قوانین مملکتی آشنا شود، بداند چه کسی را باید انتخاب کند و انتخاب‌شونده دارای چه شرایطی»
بقیه در صفحه ۷

خوشبختانه این توقع مردم با تصمیم اخیر وزارت آموزش و پرورش جامع عمل خواهد پوشید و میلیونها کودکی که تاکنون بجای نشستن در کلاس درس، با کار در مزارع و در تارکخانه‌های قالی‌بافی، معادن و کارخانه‌ها، کل کودکی‌شان می‌بازرد، از این پس خواهند توانست در مدارس بیاموزند و برای زندگی آینده خود توشه‌ای از دانش و

تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی وزارت آموزش و پرورش بیان داشته این مشورت و نظرخواهی باید جنبه همگانی و مردمی بخود گیرد.
آقای نائینی یکی از مهمترین تصمیمات وزارت آموزش و پرورش را در دوران وزیر جدید، آقای دکتر باهنر، اجباری‌ورایگان بودن تحصیلات عمومی هشت ساله اعلام کرده است. این یکی از آن تصمیمات انقلابی است که به توقع و انتظار مردم از انقلاب پاسخ میدهد.

آقای محمد کاظم نائینی، مدیرکل دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی وزارت آموزش و پرورش، در یک گفتگوی اختصاصی با خبرنگار روزنامه اطلاعات، مطالب جالبی پیرامون تغییر نظام آموزشی و برخی از برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش بیان داشت.
آقای نائینی بر ضرورت توزیع عادلانه آموزش و پرورش در سطح کشور تاکید کرد و نابرابریهای موجود را، بد رستی، ارضیه اوضاع نابسامان گذشته دانست و ضرورت رفع این بی‌عدالتی‌ها را یادآور شد.
آقای نائینی ضمن تاکید بر این مهم که: انقلاب فرهنگی بدون دخالت مردم امکان‌پذیر نیست، لزوم شرکت و نظارت مردم را در تدوین برنامه‌های مربوط به تغییر نظام آموزشی خاطر نشان ساخت.

در ۲ روز گذشته با آتش رزمندگان انقلاب

یک فروندهلی کوپتر دشمن و چندین سنگر مزدوران نابود شد

توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران زیر آتش قرار گرفت و تلفات و خسارات قابل توجهی به دشمن وارد شد. ۶- شهر سوسنگرد مجدداً از بقیه در صفحه ۲

شمالی آبادان تجاوز کردند که بر اثر آتش رزمندگان دلیر ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران، یک فروند آن در هوا منفجر شد. ۲- روز چهارشنبه ۲۶ آذرماه در منطقه کیلاترپ بر اثر آتش توپخانه و خمپاره‌انداز نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، یک انبار مهمات کالیبر کوچک، یک خودرو، ۹ سنگر انفرادی و یک سنگر ضد هوایی دشمن نابود شد و ۱۲ نفر از نیروهای دشمن کافر کشته و ۳۰ نفر مجروح شدند. ۳- بعد از ظهر روز ۲۶ آذرماه در منطقه سومار در مبادله آتش توپخانه، تعداد ۴ سنگر بتنی دشمن نابود شد و ۶ نفر از متجاوزین عراقی به هلاکت رسیدند. ۴- جنگنده‌های نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی با مداد روز ۲۶ آذر قرارگاهها و مواضع نیروهای متجاوز عراقی را در غرب خوزین- شهر مورد حمله قرار دادند و همزمان توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران این منطقه را زیر آتش شدید خود قرار داد. ۵- همچنین در روز ۲۶ آذر مناطق ام‌الرصاص، ذین و المعامر در عراق توسط

در ادامه نبرد رزمندگان انقلاب با متجاوزین صدامی در چند روز گذشته، ضربات سنگین دیگری بر متجاوزین وارد آمد. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران طی اعلامیه شماره ۳۴۱ خود شرح عملیات رزمندگان انقلاب در برخورد با متجاوزین را به اطلاع مردم رسانید. در این اعلامیه از جمله آمده است: «بخشی از عملیات ۲۴ ساعت گذشته (پنجشنبه)، به این شرح به اطلاع هموطنان ارجمند می‌رسد. ۱- ساعت ۱۱:۳۰ دیروز (پنجشنبه) ۳ فروند هلی‌کوپتر متجاوز عراقی به فضای مناطق

در روستاها به صدی ۷۵ و در میان زنان روستایی به صدی ۹۲ میرسید. در آخرین سال فرمانروایی طاغوت، سه میلیون کودک به سن تحصیل، راه به مدرسه نیافته بودند. فرهنگ طبقاتی آموزش و پرورش را از دسترس توده‌ها دور و دو خدمت طبقات متمکن قرار داده بود.

انقلاب مردمی ۲۲ بهمن رسالت داشت که آموزش و پرورش را خلق کند و به فرزندان کارگران و دهقانان و سایر اقشار زحمتکش امکان دهد که بیاموزند و استعداد های ناشکفته خود را بارور کنند.

تجارب پیشین و بطور مشخص تجربه قانون اساسی نسناده است که در تدوین هر قانون مردمی، نظرخواهی از عموم می تواند به غنای هرچه بیشتر آن کمک کند. دیگر گونی اساسی در نظام آموزشی کشور که سالیان دواز زیر سیطره فرهنگ نو- استعماری و سنن کهن و مندرس جامعه نیمه فئودالی قرار داشته، مسئله آنچنان مبهمی است که بحث و مذاقه جندقی صاحب نظر در اطافهای در بسته، نمیتواند آنرا به حل صحیح برساند، بلکه همانطور که مدیرکل دفتر

در صفحات بعد

گرایش سازشکارانه لیبرالیسم با امپریالیسم قانونمند است
صفحه ۷

خلق السالوادور می‌رزمند
صفحه ۶

چاد همچنان درگیر جنگ خانگی است
صفحه ۶

طبقه کارگر ایران در برابر تجاوز آمریکایی صدام از میهن انقلابی خود دفاع می‌کند!
صفحه ۵

مشکلی در مقابل روند انقلاب
صفحه ۵

نورالدین کیانوری
(پرسش و پاسخ)

(۲)

تلاش لیبرال‌ها را برای ادامه تحمیل راه سرمایه داری به خلق انقلابی ما با قاطعیت تمام باید عقیم گذاشت
صفحه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

تشکیل «حزب ملی-مترقی مصر» برای مبارزه بر ضد رژیم سادات خائن

در روزهای ۲۲-۲۱ فروردین امسال نخستین کنگره «حزب ملی - مترقی مصر» که در آن اکثریت نمایندگان مارکسیست یا ناصریست بودند، برگزار شد. هدف این کنگره آن بود که جبهه‌های واحد و وسیع از نیرو-های ملی مصر علیه رژیم سادات خائن پدید آورد.

در پایان این کنگره «اعلامیه سیاسی» به تصویب رسید، که بخش‌های عمده آن در زیر انظار خوانندگان میگذرد:

تصمیمات کنگره

«در روزهای ۱۱-۱۰ آوریل ۱۹۸۰ (۲۱-۲۲ فروردین ۱۳۵۹) نخستین کنگره «حزب ملی - مترقی مصر» که در آن ۴۰۱ نماینده از ۲۱ ناحیه شرکت داشتند، برگزار شد. در کمیسیون-های مختلف کنگره، گزارش سیاسی، سخنرانی کشاورزی خالد محی‌الدین، بنیانگذار مبارز «حزب» پیش‌نویس «برنامه عمومی سیاسی» تحت‌عنوان «برای مصر» به‌مثابه مبین آزادی، سوسیالیسم و وحدت» طرح آئین‌نامه و گزارش سیاسی مورد بحث قرار گرفت. پس از آنکه در این کمیسیون‌ها اصلاحاتی در برخی از اسناد نامبرده بعمل آمد، کنگره در شامگاه ۱۱ آوریل (۲۲ فروردین) آنها را با اکثریت تام تصویب کرد. کنگره، علاوه بر این، رهنمودهای گزارش سیاسی و سخنرانی کشاورزی را مورد تأیید قرار داد.

به تصمیم کنگره، هدف اصلی مبارزه خلق مصر در مرحله کنونی عبارتست از: مقابله با سیاست صلح جداگانه با اسرائیل، که ایالات متحده آمریکا ابتکار آنرا بدست گرفته است. این سیاست، که امپریالیسم برای پیشبرد آن پیشتازی میکند، با تحقق‌روایی تاریخی صیونیسم، یعنی عادی شدن مناسبات با مصر و مبادله سفیران، آغاز گردید. این رویداد بی‌امد طبیعی مشی سیاسی دولت بود، که با دیدار (انور سادات در دیسمه ۱۳۵۶) شروع شد و با امضای «قرارداد کمپ‌دیوید» و قرارداد صلح جداگانه میان دولتهای اسرائیل و مصر ادامه یافت.

از سوی دیگر، این هجوم امپریالیستی-صیونیستی-جبهه‌های مستحکم از نیروهای ملی را در مصر پدید آورد و آغازگر حرکتی صعودی گردید، که حسی آن «قرارداد کمپ‌دیوید» بود. (...)

مبارزه با «کمپ‌دیوید» بعنوان پایه تحکیم اتحاد خلق

برای اینکه در مرحله آتی با همه خطرات قادر به مقابله باشیم، مشی حزب ما باید چنین باشد: ۱. «قرارداد کمپ دیوید» را باید نابود ساخت. حزب ما در این مبارزه در چارچوب جبهه‌های وسیعتر، مرکب از نیروهای مصری، عربی و بین‌المللی، عمل می‌کند.

۲. باید هشدار داد که پیروزی برقرارداد مصر و اسرائیل به معنای پیروزی در یافتن راه‌حلی برای اختلافات میان اعراب و اسرائیل نیست، بلکه همچنین لازمست که در راه پیشبرد خواست‌های همه اعراب، بویژه خلق فلسطین، کوشا باشیم. همچنین خطر تبدیل قرارداد «کمپ‌دیوید مصر» را به «کمپ‌دیوید اعراب» نباید نادیده گرفت. ۳. حزب ما باید از پایه وسیع جنبش مخالفت با «کمپ‌دیوید» برای پیشبرد هدفهای درگانه زیر بهره جوید:

الف) تحکیم پیوند میان کارگران، دهقانان و قشرهای گوناگون توده خلق. در این زمینه، باید به وابستگی میان‌همه مسائلی، که گریبانگیر مردم ما شده است (بحران عمیق اقتصادی و تسلط دمکراسی نیروهای انکل بجای دمکراسی تولیدکنندگان)، توجه خاص داشت.

ب) ایجاد جبهه ملی گسترده. در این زمینه، نخست باید به تدوین برنامه‌های حداقل اقدام ورزید که مورد توافق همه نیروهای سیاسی گوناگونی باشد، که با سیاست حزب حاکم به مخالفت برخاسته‌اند. این برنامه حداقل باید مسائلی چون مسئله استقلال ملی، مسئله دمکراسی و مسئله اقتصادی را دربر گیرد.

۴- هر قدر در مبارزه توده‌های برای نابودی «قرارداد کمپ‌دیوید» کامیاب‌تر باشیم، بهمان اندازه نیز موفقیت ما در یافتن راه‌حلی برای مسائل استقلال ملی، بیرون از چارچوب امپریالیستی، بیشتر خواهد بود.

۵- ماهیت حزب ما، که طیفی وسیع از نیروهای مختلف جنبش آزادی ملی مصر، با عقاید ملی، اجتماعی و مترقی-مذهبی گوناگون را دربر میگیرد، پیروزی ما را در غلبه بر مخاطرات مرحله آتی تضمین خواهد بخشید. تعلق ما به توده‌های خلق ما را در این راه یاور خواهد بود. (...)

اصول اقتصادی «حزب ملی - مترقی مصر»

کنگره اول «حزب ملی - مترقی» در زمینه اقتصادی - اجتماعی، به بررسی پیامدهای سیاست «اقتصاد باز» (سادات) مبادرت ورزید. کنگره به این نتیجه رسید که، سیاست نامبرده به تعمیق شکافهای اجتماعی منجر شده است. جامعه ما به دو گروه ابرثروتمندان و مستمندان تقسیم گردیده است.

کنگره سیاست اقتصادی «حزب» را در ۱۰ اصل زیر خلاصه کرد: ۱- نظارت پایدار بر استقلال اقتصادی و مقابله با هرگونه بهره‌کشی و وابستگی، که امپریالیسم و صیونیسم، مستقیم یا غیرمستقیم، از طریق بزرگ کسرنهای چندملیتی اعمال می‌دارند، نیروی کار خلق را استثمار میکنند و، با باصطلاح «تخریب سرمایه به اقتصاد»، رشد اقتصادی را باز میدارند. ۲- بازگشت به برنامه‌ریزی عمومی و علمی اقتصاد، که بسیج

همه امکانات جامعه را در جهت صحیح میسر می‌سازد.

۳- تقویت نقش رهبری کننده بخش دولتی و پاسداری از اقتصاد ملی در برابر فرمانروایی بیگانه. ۴- رعایت نقش بنیادی سرمایه ملی در بخش‌های تولیدی، بازرگانی، توزیع و خرده‌فروشی. همه اقدامات اقتصادی باید در چارچوب یک برنامه عمران ملی صورت گیرد، که حقوق کارگران و درآمد مالیاتی عادلانه را برای دولت تأمین سازد.

۵- باید کوشید تا از نیروی خودی و منابع ملی (اقتصادی و انسانی) استفاده گردد.

۶- توسعه بخش تعاونی، به عنوان پایه‌حمایت از خرده‌تولید کنندگان و گسترش صنعت مدرن. باید توجه داشت که ایجاد تعاونیها و تعیین رهبری آنها از طریق انتخابات آزاد صورت پذیرد و تعاونیهای نامبرده اعتبار و خدمات دیگر خود را در اختیار دهقانان بگذارند. باید از راندن دهقانان از زمینهای خود جلوگیری و در اجاره بهای زمین تجدیدنظر کرد.

۷- باید همه قوانینی را، که در چارچوب «اقتصاد باز» تصویب رسیده است، دوباره مورد بررسی قرارداد و آنها را با نیازمندیهای توسعه اقتصادی مصر هماهنگ ساخت. برنامه‌ریزی عمومی باید اولویت یابد.

۸- جلوگیری از همه‌گونه فعالیت‌های انکلوار، که تنها بسود عده قلیلی رباخوار تمام میشود و هیچگونه بارآوری برای اقتصاد مصر ندارد.

۹- عقیم گذاشتن تلاشهای اسرائیل، مبنی بر فرمانروایی بر اقتصاد مصر. تنها بازگشت مصر به خودکفایی عربی می‌تواند ضمانتی در برابر خطر اقتصادی اسرائیل باشد و ما را از گزند انحصارات بین‌المللی، که به ثروت طبیعی کشورهای عربی چشم دوخته‌اند و مایلند که منابع پولی و انسانی آنها را در اختیار خود درآورند، مصون دارد.

۱۰- تدوین یک برنامه ملی رهایی برای سه سال آینده، به منظور نجات دادن اقتصاد ملی از وابستگی به خارج و اعتبارات خارجی و بهره‌برداری از توان اقتصادی برای تأمین رشد سریعتر اقتصاد. مبارزه بی‌امان با تورم و بالا بردن سطح زندگی توده‌های فقیر. بکسک چنین برنامه‌ای می‌توان از بدتر شدن وضع اقتصادی و خدمات اجتماعی و تنزل سطح زندگی جلوگیری بعمل آورد. سیاست اقتصادی نباید به بروز اختلافات عقیدتی در میان نیرو-های ملی بیانجامد. همه ما با یک مسئله روبرو هستیم و آن‌هایی اقتصادمان از شر سیادت خارجیان است. همه نیروهای سیاسی که به منافع حیاتی میهنمان می‌اندیشند، باید بر این پایه با یکدیگر به توافق برسند. همه ما باید درباره ضرورت تحول مستقل اقتصاد و توزیع عادلانه (ثروت ملی)، بعنوان ضامن رشد اقتصادی، هم‌آرا باشیم. برخی از هدفهای کنگره ما عبارتست از: حفظ استقلال ملی، توسعه اقتصاد و فرهنگ مستقل،

آزادی مناطق اشغالی عرب، از جمله بیت‌المقدس، بنیانگذاری یک کشور مستقل فلسطینی، دستیابی به وحدت اعراب، برپایه همبازی اقتصادی و تحکیم توان خلقهای عرب. بدین ترتیب، ما توانایی آگرا داریم که پیکار ملی و بین‌المللی را در راه آزادی و پیشرفت فعالانه یاری بخشیم. (...)

پیکار در راه دمکراسی راستین

تحقق هدف استراتژیک و عمومی ما تنها هنگامی امکانپذیر است که به آماج‌های زیر دست یابیم:

۱) بازگشت مصر به موضع پیشین خویش، بعنوان مدافع آزادی و پیشرفت و مبارزه ضد استعمار. مصر باید بار دیگر رهبری جنبش آزادی‌بخش عرب و کشورهای غیرمتعهد را بعهده گیرد.

۲) مبارزه با سیاست صلح جداگانه و جلوگیری از سرایت آن به دیگر مناطق میهن عرب. ۳) ارائه سیاست اقتصادی، که بر پایه پاسداری از استقلال اقتصادی و برنامه‌ریزی استراتژی توسعه، استوار باشد.

۴) تبدیل دمکراسی صوری (دمکراسی انکلها) به دمکراسی راستین (دمکراسی تولیدکنندگان) و دگرگونی بنیادی جامعه مصر، از راه:

الف) وادار کردن دولت به کناره‌گیری؛ ب) تشکیل یک دولت گذار، از نمایندگان همه گرایش‌های مختلف نیروهای ملی-دمکراتیک؛ پ) لغو همه قوانین و مقرراتی، که آزادی‌های سیاسی و دمکراتیک را محدود می‌سازند، بویژه: قانون بازداشت شماره ۳۸ سال ۱۹۷۱؛ قانون شماره ۳۴ و ۳۷ سال ۱۹۷۲؛ تصویب‌نامه الحاقی قانون شماره ۲ سال ۱۹۷۷؛ قانون شماره ۳۳ درباره حفاظت از جبهه داخلی سال ۱۹۷۸؛ تصویب‌نامه الحاقی قانون شماره ۳۶ سال ۱۹۵۹؛ قوانین شماره ۲۱، ۲۲ و ۲۳ سال ۱۹۵۹؛ لغو وضع فوق‌العاده؛ لغو سانسور مطبوعات بر پایه تصویب‌نامه «دایره مطبوعات»؛ لغو انحصار حزب حاکم در زمینه ارگانه‌های مطبوعاتی. احزاب موجود باید حق آگرا بیابند که بدون هیچگونه محدودیتی به انتشار روزنامه‌های خود بپردازند. به احزاب جدید نیز باید اجازه فعالیت داده شود؛

ت) استقرار حداقل شرایط دمکراتیک، تا بتوان انتخابات جدید پارلمان را بگونه‌ای برگزار کرد که شرکت آزادانه همه نیروهای سیاسی در آن، چه از نظر سیاسی و چه از جهت حقوقی، تضمین شود. این نیروها باید حق آگرا داشته باشند، که به تبلیغ برنامه سیاسی خود بپردازند. باید از هرگونه مداخله پلیسی و اداری در انتخابات جلوگیری کرد. برقراری حداقل دمکراسی و تشکیل دولت جدید از میان حزب یا احزاب پیروز در انتخابات، نخستین گام در راه نجات آنجه است، که هنوز باقی است. زنده‌باد مصر، میهن آزادی، سوسیالیسم و وحدت!



زنان سهم بسیار...

بقیه از صفحه ۱

اشاره کرد و آنها را در خط امپریالیسم و بلندگوهای تبلیغاتی آنان دانست. وی در خطبه دوم نماز ضمن تأکید بر این که شورای عالی دفاع در فرماندهی نظامی جنگ دخالتی ندارد، از جمله گفت: «بعضی کوشش می‌کنند اینچنین وانمود بشود که فرماندهی در این زمینه‌ها (عملیات نظامی علیه متجاوزین) بعهده شورای عالی دفاع است و بنده اصرار دارم که به شما برادران و خواهران بگویم که شورای دفاع در امر فرماندهی نظامی هیچگونه تصرفی ندارد و نمی‌کند. تعرض یا عدم تعرض، یا تعیین و گزینش مسئولان، هیچیک از اینها در عهده عمل شورای عالی دفاع نیست. شورای عالی دفاع در زمینه مسائل مشورت می‌کند، تصمیم میگیرد، تصمیم خود را به مسئولان ابلاغ می‌کند. اما مسئولان مملکت آنها را برطبق مصلحت بدانند و عمل کنند، یا ندانند و عمل نکنند. تاکنون وضع شورای عالی دفاع در بیشتر مسائل مربوط به جبهه‌های جنگ اینچنین بوده، مگر آن مواردی که یک تلاش بیشتری انجام گرفته است که آنچه بر وفق مصلحت است انجام بگیرد. بحمدالله در مواردی هم توفیق پیدا کردیم، آنچه را که ثابت شده است بر مصلحت است، اینها را قبولانندیم و اثبات کردیم، برطبق مصلحت است. برادران مسئول نظامی هم کمک کردند و انجام شده». حجت‌الاسلام خامنه‌ای همچنین تأکید کرد که رزمندگان جمهوری اسلامی ایران آمادگی کامل دارند تا دشمن متجاوز را بطور کامل شکست دهند.

امام جمعه تهران در بخش دیگر سخنانش مردم را دعوت کرد که با تمام امکانات به جبهه‌های جنگ یاری رسانند. حجت‌الاسلام خامنه‌ای همچنین از نقش برجسته زنان انقلابی ایران در این جنگ تجاویز کرد، در جبهه‌ها و نیز پشت جبهه سخن گفت و یادآور شد: «زنان سهم بسیار موثری در این حرکت که ملت ایران دارد انجام میدهد، داشتند و قدر این سهم عظیم را آن کسانی می‌دانند که سیاستهای استعماری گذشته را که سعی می‌کرد زن را بصورت یک عضو منفصل از دست فعال جامعه دربیارند و یا او را سرگرم چیزهای کوچک و پست کنند، دیده‌اند. آنها قدر این حرکت فعالانه‌خواهران را می‌دانند.»

یک فروزند ...

بقیه از صفحه ۱

مین‌هایی که برادران سپاه پاسدار بکسک دلاران زاندارمیری کار گذاشته بودند متهدم شد.

۷- نبرد در مناطق شوش، جسر-نادری، شورشیرین، کانی‌سخت، کنجان‌چم و ارتفاعات ملکشاهی همچنان ادامه داشت. ضمن ساعت ۱۵، روز ۲۶ آذرماه یک نفر از درجه‌داران ارتش عراق خود را با تجهیزات انفجاری به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران معرفی کرد و مورد استقبال برادران مسلمان ایرانی خود قرار گرفت.

بامداد چهارشنبه گذشته زیر آتش یراکنده خمپاره‌انداز و توپخانه دشمن قرار گرفت و پرسنل شجاع زاندارمیری و دیگر نیروهای رزمنده مدافع جمهوری اسلامی ایران با آتش متقابل به آنها پاسخ گفتند و ۲ دستگاه نفربر و چند سنگر دشمن را متهدم ساختند. همچنین ۲ دستگاه نفربر متجاوزان عراقی توسط

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم

نورالدین کیانوری

«پرسش و پاسخ»



تلاش لیبرال‌ها را برای ادامه تحمل راه سرمایه‌داری به خلق انقلابی ما با قاطعیت تمام باید مقیم گذاشت!

جلسه معمول «پرسش و پاسخ» روز یکشنبه ۲۳ آذرماه ۱۳۵۹ با حضور رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل شد. شریک‌کنندگان در جلسه پرسش‌های گوناگونی را در این جلسه مطرح کردند که رفیق کیانوری به آنها پاسخ گفت. بخش اول این «پرسش و پاسخ» در شماره گذشته درج شد. و اینک بخش دوم آن به چاپ می‌رسد.

در اینجا چند سؤال پست هم شده است که من اول آن‌ها را می‌خوانم تا ببینیم چگونه باید به آن‌ها پاسخ داد: س ۱: من یک مسلمان وفکر می‌کنم به رهبری امام خمینی می‌توان یک رژیم اسلامی مترقی در خط امام داشت. اما این روزها همکارانم، مخصوصاً کسانی که روزنامه «انقلاب اسلامی» را می‌خوانند آن قدر از جیب و راست حمله می‌کنند و ایرادی می‌گیرند که گیج شده‌ام. این ایرادات و حملات به همه چیز و از جمله به «سازش» در مورد «گروگان‌ها» خود «گروگان‌گیری» که باعث تقویت جناح جنگ طلب در آمریکا شده است، و نیز به «گرایش جنگ طلبی روحانیت» و «دخالت در عراق»، «مسئله کردستان»، «اصلاحات ارضی»، «راديو وتلويزيون»، «آزادی» وغيره مربوط می‌شود. لطفاً کمی راجع به وضع فعلی توضیح دهید.

س ۲: جای «سازمان مجاهدین خلق» به عنوان یک سازمان مبارز مسلمان باید کجا باشد؟ این روزها مجاهدین نیز در شلوغ کردن اوضاع، مثل سایر مدارس، دخالت دارند. دلیل آن چیست؟ آیا درآمد افتاده‌اند؟ اگر آری، برای نجات آن‌ها و کمک به انقلاب چه باید کرد؟ حوادثی که این روزها در شهرهای قم و مشهد و شیراز و اصفهان گذشت ظاهراً نمایانگر تشدید اختلاف بین دو جناح از مسلمانان است، که در یک سمت آقای رئیس‌جمهور و دوستانش قرار دارند و در سمت دیگر، روحانیت مبارز. نظر شما درباره این موضوع چیست؟

س ۳: با توجه به درگیری بین سازمان مجاهدین و حزب جمهوری اسلامی و حمایتی که لیبرال‌ها از مجاهدین می‌کنند آیا ممکن است در آینده مجاهدین علیه دموکراسی انقلابی جبهه بگیرند و در نابودی آن بالیبرال‌ها همکاری کنند؟

ج: همان‌طور که گفتیم البته به همه این سؤالات نمی‌شود، یک یک جواب داد. بنابراین گوش می‌کنم، که، مثل همیشه به مهم‌ترین آن‌ها جواب بدهم.

اول در مورد اختلاف بزرگی که بین دو جناح از نیروهای مؤثر در حاکمیت کنونی ایران شروع شده و گسترش پیدا کرده است. این نیروها عبارتند از: نیروهایی که دولت، مجلس، مقام ریاست‌جمهوری، کمیته‌ها و نهادهای انقلابی و غیره را در اختیار دارند، یعنی در این نهادها موضع تعیین‌کننده دارند. این دیگر برکسی پوشیده نیست که در بین این نیروها یعنی در بالای حاکمیت کنونی ایران اختلافات بسیار عمیقی به وقوع پیوسته است. ما بارها گوش کرده‌ایم که طیف نیروهایی را که در ذوق و جهت این جبهه‌گیری بزرگ کنونی جامعه ما پیدا شده به طور دقیق روشن کنیم. ولی اول بیرون‌ازیم به شکافی که در داخل نیروهای اسلامی، نیروهایی که همه خود را طرفدار متعهد اسلام می‌شمارند، پیدا شده است. واقعیت این است که الان تمام آن نیروهایی که هوادار دولت وقت «گام به گام» بودند، دور روزنامه «میزان» متمرکز شده‌اند. «کیهان» هم در اختیار آن‌ها بود ولی از دست آن‌ها بیرون آمد. از طرف دیگر، بخشی از نیروهای اسلامی که در دوران دولت «گام به گام»، تقریباً در پیوستن شرکت قرار داشتند (مانند آقای بنی‌صدر و هوادارانش) و الان در موضع خیلی شدید ضد حزب جمهوری اسلامی و ضد روحانیت مبارز (که در سمت‌گیری حزب جمهوری اسلامی، یعنی به‌طور عمده در سمت‌گیری خط امام قرار دارند) هستند، دور روزنامه «انقلاب اسلامی» متمرکز شده‌اند. علاوه بر این، دور و بر این دو مرکز از یک طرف روحانیون بنا می‌هند که یا تاکنون یا انقلاب همکاری نمی‌کردند و یا همراه آن لنگ‌لنگان قدم بر می‌داشته و از طرف دیگر شخصیت‌های اسلامی مبارزی که در مواضع ضد-امپریالیستی و خلقی خیلی جدی قرار دارند و ما برای آن‌ها احترام فراوان قائل هستیم. از این گذشته، از سازمان مجاهدین خلق هم باید نام برد که خود را یک سازمان کاملاً متعهد اسلامی اعلام می‌کنند و آن قدر هم که ما آنها را از روی هواداران نشان می‌شناسیم، با قاعده جوان‌های متعهد اسلامی هستند. علیرغم این استبدادی شرکت داشته‌اند شکاف بسیار عمیقی وجود دارد. ما دست من اینجا روی رژیم استبدادی تکیه می‌کنم، برای این‌که همه این نیروها در مبارزات ضد امپریالیستی علیه امپریالیسم آمریکا شرکت نداشته‌اند. بعضی از این نیروها نسبتاً در مبارزات به‌سود خلق و برای مردم شرکت نداشته‌اند، بلکه عملاً در جهت متعصبانه‌ای خلق قرار داشتند و دارند. این شکاف به‌جایی رسیده است که در مجلس یکی از نمایندگان رسماً گفت که کودتای خزندهای در حال تدارک و در حال پیشرفت است. از طرف دیگر گفته می‌شود که نیروهای وابسته به روحانیت مبارز تمام قدرت را منحصر کرده‌اند و به‌طرف یک دیکتاتوری نوع جدید، می‌روند، که ما لا به لایه‌ها با امپریالیسم آمریکا و دشمنان ملت متحد خواهند شد. بعضی‌ها هم می‌گویند این «دیکتاتوری» روحانیت مبارز به تسلیم در برابر کمونیسم تمام می‌شود و کمونیست‌ها قدرت را در دست خواهند گرفت. بعضی‌ها دیگر خیلی شورش را در آورده‌اند و می‌گویند «بله اصلاً روحانیت مبارز را حزب توده در ادبی می‌گرداند و بعضی از آن‌ها اصلاً توده‌های هستند». یکی دیگر حتی ادعا کرده است که ما توده‌های را فرستاده‌ایم توی روحانیت مبارز که آنجا قیافه روحانی بگیرند و خود را روحانی‌جانبانند یا آقای بنی‌صدر ادعا کرده است که در میان روحانیت، توده‌های جا گرفته‌اند و ایدئولوژی شان را به آن‌ها القا می‌کنند و اخیراً دیگر توجیه نمیده‌ایم که چه چیزهایی عبارتست از کمونیسم و القاء ایدئولوژی؟ مثلاً تدارک کوپن برای جیره‌بندی، برای این‌که به هر کسی از مردم ایران، یک کیلو تدرک برسد، این شد کمونیسم! این شد کمونیستی و القاء ایدئولوژی کمونیستی! یا این‌که مبارزه با گران فروشی، یعنی محدود کردن «آزادی» به عقیده لیبرال‌ها، سرمایه‌دار باید «آزاد» باشد، جنسی را که پنج تومان خریدار است پنجاه تومان بفروشد! این جا اگر بگویند که: «آقا تو پنج تومان خریداری، خوب دوتومان به نفع من بفروش یا نزده تومان!»، اینجا دیگر «آزادی» بهم خورده، این «کمونیستی» است! آیا اینکه اگر کسی بگوید: «بدتر خوب، مادرت خوب، این دوهزار هکتار زمین را تو از کجا آورده‌ای؟

از جلدت رسیده که نیول گرفته و مردم را چاپیده؟ یا خودت؟ دیگر دوهزار هکتار زمین را با عرق جبین نمی‌شود پیدا کرد! یک با مولی زده‌ای یا با شاه رابطه داشته‌ای یا از آنجا گرفته‌ای. این‌ها را الان تقسیم بکن بین دو بیست خانوار و حتمتکن دهقان که آن‌ها بتوانند زندگی خودشان را از این بدبختی و فلاکت در آورند! همه این‌ها می‌شد «کمونیستی»، همه این‌ها «کمونیسم» است. یعنی کوچک‌ترین طرح اصلاحی، هر قدر هم محدود و بی‌آزار باشد فقط به تریج قیای سرمایه‌داران و ملاکان بزرگ برخورد بکند، این می‌شود «کمونیسم»، «القاء ایدئولوژی»، «حزب توده» و «مسکو» و «ک-ک-ب»! خوب، این واقعیت هست که در این دعوا که یک طرف آن طبقه ناهمگونی بویزه گرد لیبرال‌ها قرار دارد و در طرف دیگر دولت جمهوری اسلامی، اکثریت مجلس و روحانیت مبارز - ما علی‌رغم انتقادات جدی که به برخی اقدامات دولت و نهادهای انقلابی، چون سیاه‌پاسداران، کمیته‌ها و دادگاه‌های انقلاب داریم، از طرف دوم پشتیبانی می‌کنیم. چون به عقیده ما دولت جمهوری اسلامی، اکثریت مجلس اسلامی و روحانیت مبارز به‌طور کلی در جهت منافع مردم ایران گام برمی‌دارد. البته در گروه اول نیروها و عناصری را هم می‌بینیم که، به عقیده ما، جایشان به هیچ وجه در آنجا نیست و می‌باید به‌کلی در جهت مخالف قرار می‌داشتند و موضع می‌گرفتند. عدالت ما نمی‌توانیم از این تشخیص خودمان سر باز بزنیم که عملگرایی این گروه در جهت منفی است، یعنی به‌سود ایجاد تزلزل در مقاومت عمومی خلق ما در بزرگ‌ترین نبرد تاریخی که در آن الان با امپریالیسم درگیریم، تمام می‌شود. به این جهت موضع گیری حزب مادر این جریان روشن روشی است. صرف‌نظر از این که ادعای این یا آن طرف به خودی خود درست و قابل تأیید باشد یا نه، ما از تجربه تاریخی هزاران ساله نیروهای مترقی جوامع بشری آن قدر درس گرفته‌ایم که تعیین‌کننده ماهیت یا واقعیت این ویان جریان و یا شخصیت سیاسی، تنها شعار نیست، بلکه محتوی عمل آن جریان و شخصیت سیاسی است.

مثلاً چه جناباتی که کارتر و اساتل او نمی‌کنند ولی با کمال وقاحت ویی - شرمی ادعا می‌کنند که طرفدار واقعی «حقوق بشر» در دنیا هستند. خوب بین این ادعا و آن واقعیت چند هزار فرسخ فاصله است. بدین جهت ما عادت کرده‌ایم که به این ادعاها توجه نکنیم. یا اگر به ادعای گردانندگان روزنامه «میزان» نگاه کنیم، این‌ها مدعی میهن‌پرستی و دفاع از تمام حقوق میهن ما علیه امپریالیسم، دفاع از تمام ارزشهای واقعی اسلام، دفاع از حقوق محرومان جامعه، و امثال این چیزها هستند. ولی از روزنامه «میزان» پرسیم: «آقا مخارج شما را که می‌دهد؟» خوب خرج روزنامه «میزان» که دیگر خرج نامه «مردم» نیست که با صاف سیاهی بتواند درست شود. با آن هشت صفحه گویولوی خودی! همان تبلیغات اولیه روزنامه «میزان»، قبل از انتشار آن، که در خراباش به تمام تیر - های چراغ برق یک تیکه پارچه آویزان کردند، خرج دو سال نامه «مردم» است. یا این‌که ببینیم خود گردانندگان «میزان» این لیبرال‌ها چه کسانی هستند که آنقدر برای محرومان جامعه سینه‌چاک می‌دهند و سنگ بر سینه‌شان می‌زنند، ولی در واقعیت تمام گوشه‌نشینان است که مواضع سرمایه‌داری در ایران، ما می‌پرسیم: «این محرومان مگر صدها دهقان و کارگری نیستند که در زمین‌ها و کارخانه‌های آقابانی که این جریان‌ها را می‌گرداند کار می‌کنند و زجر می‌کشند؟» واقعیت آن است که ما در عمل از طرف این مدعیان حمایت از محرومان هیچ‌چیزی نمی‌بینیم. یا این‌که مثلاً اگر کسانی آمدند و ادعا کردند که: «ما می‌خواهیم در ایران سرمایه‌داری از بین برود. با سوسیالیسم و کمونیسم هم مخالف هستیم، برای این‌که الحادی است. ولی می‌خواهیم که اقتصاد تویی که در دنیا سابقه ندارد بوجود بیاوریم. خوب ما با این‌ها چه جور بروی می‌تسیم. می‌گوییم: «بسیار خوب دوستان عزیز، سوسیالیسم را که نمی‌خواهید برقرار شود. اما شما که با سرمایه‌داری هم مخالفید، با سرمایه‌داری موجود در ایران چکار می‌خواهید بکنید؟» گفتن این‌که «ما می‌خواهیم سرمایه‌داری نباشد»، این را هر کسی می‌تواند ادعا بکند. برای چه؟ برای این‌که سرمایه‌داری اینقدر بدنام است، اینقدر ننگین و مفتضح است، که دفاع کردن از سرمایه‌داری دیگر فوق‌العاده مشکل است. حتی اقتصاددانان غربی هم مدعی هستند که: «اقتصاد غرب دارد از سرمایه‌داری عسدرول می‌کند. دیگر سرمایه‌داری نیست، ما می‌رویم به طرف یک اقتصاد مختلط متمرکز!» گفتن این که آدم‌ها سرمایه‌داری مخالف است، که کافی نیست. از این آقایان باید پرسید: «چطور می‌خواهید سرمایه‌داری را از بین ببرید و یا محدود کنید؟» این جاست که دم‌کسانی که مدعی هستند، توی تله گیر می‌کنند. اما مطلب به این‌جا که رسید، فحاشی از طرف این‌ها شروع می‌شود: «شما کمونیستید!»، «شما جاسوسید!»، «شما ماورک، گ. ب. هستید!»، «شما خائنید!»، «شما به صدق چنین کردید!»، «من آنم که رستم بود بپهلوان!»، «من چنین کردم!»، «من چند کتاب دارم!»، «من تئوری دارم!»، در حالی که ما فقط یک سؤال ساده کردیم که: «آقا شما که می‌گویید مخالف سرمایه‌داری هستید، این سرمایه‌داری را چطور می‌خواهید از بین ببرید؟» ما به فهمانید تا ما هم دنبال شما بیاییم. چون ما هم طرفدار این هستیم که سرمایه‌داری در ایران محدود بشود و مطابق قانون اساسی استثمار فرد از فرد از بین برود. ولی اگر کسی آمد و گفت: «به سرمایه‌دارها توصیه می‌کنم که به تبسم مردم توجه بکنند و گران نفرشند». خوب وقتی یک کسی چنین پیشنهادی کرد، ما که کساری نمی‌کنیم. فقط نگاه می‌کنیم و می‌بینیم که خود آن سرمایه‌دارها نه فقط به تبسم مردم توجهی نمی‌کنند بلکه قاه خندیدند که چقدر ساده‌بینی لازم هست که «به ما غارت‌گران، به ما زالوهای اجتماعی» یعنی ما که تظاهرات آقای قطب‌زاده را در بازار ترتیب دادیم، به ما بگویند که: به تبسم مردم توجه بکنید و از گران فروشی خودداری بکنید. می‌گویند: «از این بهتر نمی‌شود، چون هیچ‌کاری به کار ما ظاهر ندارند فقط می‌خواهند که ما به تبسم کنیم و ما بجای آن می‌خندیم».

به این ترتیب است که به نظر ما مسایل اجتماعی ایران اینقدر مشخص شده، دردهای اجتماعی ما اینقدر مشخص شده که دیگر خیلی ساده می‌توان مدعیان هواداری از خلق را از آن‌ها که آمده هستند برای خلق کاری انجام دهند و محرومیت خلق را از بین ببرند تشخیص داد. به این ترتیب به‌طور خلاصه بگویم که ما در مقابل این اختلافاتی که هست به ادعاها توجه نمی‌کنیم، بلکه به ماهیت موضع‌گیری‌ها در تمام این جریانات توجه داریم. به‌نظر ما چه خوب بود که دیگر نیروها و شخصیت‌های سالم اجتماعی هم که الان در کنار لیبرال‌ها قرار گرفته‌اند، به این محتوی توجه می‌کنند. مثل هواداران سازمان مجاهدین خلق که دیگر باید به جنب خود ببینند که در تظاهراتی که مثلا در مدارس راه می‌اندازند درست با عوامل و بجه‌های وابسته به ضد انقلاب در یک جبهه قرار گرفته‌اند، اگر این

و انعت را می‌دیدند و به جای این که سار «اختناق در ایران حکم فرما...» «فاسم حکم فرماست!»، از خود می‌پرسیدند که: تو در مدرسه برای بستن مدارس، برای ایجاد اعتصاب یا که داری در یک جبهه عمل می‌کنی؟» به نظر ما مسایل خیلی زودتر برای شان روشن می‌شد. اگر آن‌ها می‌دیدند که در بعضی از تظاهراتی که این‌ها و آن‌ها مثلاً در عمل و رودر و شهرهای کوچک دیگر تشکیل می‌شود، ما ساوکی‌ها، ضد انقلابی‌ها و بجه‌های مالکین هم صدا می‌شوند، و می‌سینند که رادیوهای خستبار اویسی چگونه از عطیات آن‌ها پشتیبانی می‌کنند، قاعدتاً باید از عمل خود متأسف می‌شدند. در این زمینه حزب ما خود را سر بلند می‌بیند، چرا؟ برای این که ماهر وقت به رادیو اویسی با اختیار یا رادیو بغداد با بی‌بی‌سی یا صدای آمریکا گوش بکنیم، می‌بینیم که از اول تا آخر سفس است به حزب توده، ایران. خوب وقتی چنین چیزی هست، فکر می‌کنیم که حتماً راه درستی داریم می‌رویم. چون راهی که آمریکا با آن مخالف، بی‌بی‌سی با آن مخالف، بغداد با آن مخالف، بختبار با آن مخالف و اویسی با آن مخالف است، حتماً راه درستی است. چون این‌ها دیگر دشمنان شناخته شده، دشمنان بدون ردخورد نه فقط خلق ایران بلکه تمام محرومان دنیا هستند. حالا ما می‌خواهیم که عده‌ای از این سازمان‌های مدعی، گروه‌های مدعی حمایت از خلق جواب‌دهند که چرا کاری می‌کنند که همین دشمنان سرسخت تمام بشریت از آن‌ها تعریف می‌کنند؟ آن‌هم نه یک دفعه به‌طور تصادفی بلکه به‌طور مداوم. آیا این یک درس، یک سق قلاق تاریخ نیست برای شما؟ ما توصیه می‌کنیم به این جوانانی که واقعا این روش ناسالم را در پیش گرفته‌اند، به ویژه به سازمان مجاهدین خلق که به این مسئله جدا توجه بکنند. توجه به این مسئله باید بیدار کند، باید متوجه کند که خطایی در کار هست. چند شب قبل، رادیو اویسی و دینب هم رادیو بختبار گفتار فوق‌العاده حالی داشت. البته این‌ها با تمام قوا تنها هدفشان عبارتست از این که اینطور وانمود بکنند که: «آقا، حزب توده همه ایران را گرفت!»، «حزب توده تمام خط امام خمینی را دارد اداره می‌کند!»، «اصلاً متکر این خط حزب توده» ایران بوده است. «حزب توده تمام دانشجویان خط امام را اداره می‌کند، تمام اکثریت مجلس و حزب جمهوری اسلامی آخوندهای توده‌های هستند!»، این‌ها عین کلمات ناهاست! حالا عین یک جمله رادیو اویسی را هم برایتان می‌خوانم: «آخوند تبسم و توده‌های ما از یک آسخور آب می‌خورند و سر یک ازدها و دو اسب یک در سکه به شمار می‌آیند که همان اتحاد سرخ و سیاه و همان بیگانگی روحانیت و آخوند تبسم و روسیه و انگلیس است. رادیو اویسی - منافع مبارز را نمایند» انگلیس می‌داند، رادیو بختبار روحانیت مبارز را «نمایند» آمریکا می‌داند و البته هیچ‌کدام خود این‌ها نه انگلیسی هستند نه آمریکایی! هم بختبار، هم اویسی و هم شاه و هم اشراف، این‌ها همان مبهن‌برستان واقعی و بی‌نومنه در دنیا هستند! رادیو اویسی سس ادامه می‌دهد که «همان اتحاد سرخ و سیاه و همان بیگانگی منافع دو استعمارکننده در ایران سانه‌های بارز همکاری آخوند تبسم و توده‌های ما است که از نخستین روزهای فتنه» خونار خط خمینی به چشم دیدیم و امروز شاهد اوج گرفتن این همکاری مخوف هستیم، به گونه‌ای که به سادگی می‌توان از توده‌های آخوند و آخوندهای توده‌ای سخن گفت و وحدت منافع همکاری سیاسی و ژئوپلیتیک دو استعمار سرخ و سیاه را سرچشمه وحدت کلمه و وحدت عمل آخوند تبسم و توده‌های ما دانست. مفاهیم مشترک در سخنرانی‌های آیت‌الله نورالدین کیانوری و رفیق سید محمد حسین بهشتی از همین همکاری سیاسی و ژئوپلیتیک دو ارتجاع سیاه و سرخ سرچشمه می‌گیرد. خوب ما از این، این نتیجه را می‌گیریم و مثل این که باید چنین نتیجه گرفت - که وقتی اویسی چنین چیزی را می‌گوید، یعنی امپریالیسم آمریکا و انگلیس با هم دیگر چنین ارزیابی را دارند که سیاست هواداران خط خمینی سیاست درستی است، امپریالیسم را تحت فشار قرار داده است و ضربه به آن وارد می‌کند. ما همچنین به این نتیجه می‌رسیم که خط حزب ما در پشتیبانی از خط امام خمینی، در پشتیبانی از موضع گیری ضد امپریالیستی و خلقی و انسانی امام خمینی، موضع گیری کاملاً درست و بی‌خنده‌ای است. موضع - گیری است که امپریالیسم را به زوزه در آورده است، حالا تبسم که خودش چه چیزهایی باعث در دین‌ها شده است؟ رادیو بختبار در ۲۲/۹/۵۹ گفته است: «محمد موسوی خوئینی‌ها آخوند توده‌ای و معاون مجلس به اصطلاح اسلامی به سفیر کوبا در ایران گفته است که آرزو دارد سفارت حبیب‌جمهوری اسلامی در هاوانا پایتخت کوبا هر چه زودتر دایر شود». ببینید چه چیزی در نظر این‌ها جنایت است؟ این که سفارت جمهوری اسلامی در هاوانا، در پایتخت کنسوری که یک انقلاب تاریخی در دنیا کرده برقرار شود، این برای آن‌ها «کمونیسم» است. رادیو بختبار در جای دیگر گفته است: «تبسم بیان حمل کالا از طریق روسیه شوروی و برقراری روابط نزدیکتر سیاسی با کوبا مخالف سیاسی جهان را متوجه این نکته کرده است که آخوندها بسیار به کمونیست‌ها نزدیک شده‌اند». یعنی اگر کنسوری مستقل بود و خواست که از محاصره اقتصادی که تمام امپریالیسم جهانی، همان «محافل سیاسی جهان...» که متوجه این نکته شده‌اند، «راهی برای خودش باز بکند» بتواند دارو و چیزهای دیگر مورد احتیاج خود را بیاورد، این دیگر «کمونیسم» است. رادیو بختبار ادامه می‌دهد: «آنچه که شگفتی این محافل را بر - انگیزه این است که چگونه آخوندهایی که خود را مذهبیون پروپاقرص می‌دانند، و معرفی می‌کنند، با کنسورهای کمونیستی که از سیخ و دم خدا را قبول ندارند چنین نزدیکی می‌کنند!» خوب واقعا وقتی که آدم این را می‌خواند و آن وقت در تبلیغات این جبهه» مخالف که الان تشکیل شده، جبهه» هواداران به اصطلاح «آزادی» مطلق لیبرالیسم در ایران، می‌بیند که عین این حرف‌ها تکرار می‌شود، و در تئوری «القاء ایدئولوژی» هم عین همین حرف‌ها تکرار می‌شود که «توده‌های رفته‌اند به سمت آخوندها» - آخوندها عده‌های شان توده‌های شده‌اند» و «توده‌های دارند سیاست خود را به دست آخوندها اعمال می‌کنند»، تعجب می‌کنند که این‌ها واقعا نزدیکی و تطابق نظریات خود را با مراکز جنایت و خیانت به انقلاب ایران چگونه توجیه می‌توانند بکنند. وقتی از این آقایان سؤال می‌کنیم «این را چگونه توجیه می‌کنید؟» می‌دانند جواب آن‌ها به این سؤال مسا چیست؟ «خائنین! مزدوران اجنبی! شما که از مسکو بیول می‌گیرید! شما که از ک. گ. ب. دستوری می‌گیرید! شما که به صدق خیانت کردید و خنجر زدید!» به عبارت دیگر آنها یک سلسله از لاطالعاتی را که ساواک صدبار درباره» ما گفته است، تکرار می‌کنند. به این ترتیب هر قدر این مسائل بازتر و مبارزه در داخل و در خارج ایران جادتر می‌شود، بیشتر به درستی موضع گیری که ما از آغاز این سازره انتخاب کرده‌ایم بی‌برم. ما معتقد هستیم که در این نبرد دشواری که بین سمت‌گیری انقلابی و سمت‌گیری سازشکارانه و تسلیم طلبانه، به امپریالیسم ریبسی است، علیرغم لحظات سخت و دوران‌های بحرانی که بدون شک در میان خواهد بود، جنبش انقلابی ایران مسلماً عمیق‌تر و بهناورتر و نیرومندتر از آن است که در این نبرد شکست بخورد. ما معتقد هستیم که در این نبرد پیروزی تازه و وسیع‌تر و بردمانه‌تری علیه سازشکاران و تسلیم طلبان پیدا خواهد شد و تمام تلاش حزب ما هم در همین جهت است. منتها تلاش حزب ما در بر - خورد با نیروهای مختلف با بخش‌های مختلف، با عناصر مختلفی که در این جبهه قرار گرفته‌اند، همان‌طور که من بارها تکرار کرده‌ام، به کلی متفاوت است. برای آن‌هایی که گول خورده‌اند، به اشتباه در دام این تبلیغات افتاده‌اند این‌که در چهارچوب تنگی به مسائل برخورد می‌کنند و مسائل را در کل خود مورد توجه و بررسی قرار نمی‌دهند، برخورد ما برخورد توضیحی، برخورد تلاش بی‌شک برای آنست که آن‌ها را روشن بکنیم و آن‌ها را از این دامی که در آن افتاده‌اند بیرون بکنیم و یا از این سمت‌گیری نادرستی که انتخاب کرده‌اند آن‌ها را به راه درست بیاوریم، برخورد ما با عناصری که معتقد هستیم روی منافع طبقاتی خود آگاهانه بر خورده در صفحه ۶

طبقه کارگر ایران در برابر تجاوز آمریکائی صدام از میهن انقلابی خود دفاع می کند!

آری، به قول امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران: "ای دریای بیکران انسانها در مقابل آمریکا دشمن شماره یک مستضعفین جهان" و تمامی عمال داخلی و خارجی آن-ب-حزب

- انجمن اسلامی زرم (پسی کولا)
- کارخانه شمعی سازی ستاره
- کارخانه موزائیک سازی نورمحمدی
- کارگران تعمیرگاه شماره ۱ اتوآیزنه‌پور
- تعمیرگاه مجاز شماره ۲ پیکان
- تعمیرگاه شماره ۴۹ پیکان
- شرکت سپاهی رادیو تلویزیون ایران
- انبار و تعمیرگاه مرکزی کندی و برات
- تعمیرگاه مرکزی فولکس ماشین
- انجمن اسلامی و کارکنان مرکز فنی-
- ارتوپدی (جمعیت هلال احمر)
- کارکنان گروه صنعتی کفس ملی

واژگلیه نهادهای انقلابی و مخصوصاً سپاه پاسداران خواستار توجه بیشتری در دادن آموزشهای نظامی و تشکیل هسته‌های مقاومت در کارخانه‌ها و کارگاهها (واژه‌های امضاء کنندگان) می‌باشیم، نامه این ترتیب، تمامی کارگران میهن، هم با تولید بیست و نهم تا مادکی نظامی خود گامهای مثبتی در جهت مبارزه علیه شیطان بزرگ آمریکا برداریم و به اینصورت، بقول امام مملکتی اسلامی و نظامی داشته باشیم.

نتیجه رسیده است که مقادری زیادی از مشکلات کمبود روغن موتور در بازار و در نتیجه ایجاد بازار سیاه برای آن، معلول وجود واسطه‌های تورج و وحش روغن موتور بطور عمده از طریق شرکت هابی است که بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی- مان به مدیریت دولتی درآمدند و از سرمایه‌داران بزرگ آن نظیر سیروس فرمانفرمایان سلب مالکیت شده است. این شرکت ها عبارتند از شرکت نفت پارس و شرکت تولید روغن موتور اسسو بنابراین باید ترتیبی داده شود که توزیع و بخش تولیدات این شرکت ها نه از طریق بخش خصوصی، بلکه توسط اداره بخش وزارت نفت انجام گیرد، تا به این ترتیب در صورت مازاد و رعایت سایر اولویتهای زمان جنگ برای مصارف ماسین های شخصی هم بتوان از طریق یمپ های بنزین، روغن موتور آن‌ها را جیره بندی و توزیع کرد.

حمایت از انقلاب اسلامی ایران - برخیزند و ما را در برهه نمرسیدن انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی یاری نمایند.

کارگران آجر ماشینی فشم: نبود باد توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و تجاوز رژیم عراق

شورای کارگران کارخانه آجر ماشینی فشم طی بیانیه‌ای که رونوشت آن جهت درج به جراید ارسال شده، ضمن سر- شمردن وظایف کارگران در شرایط کنونی، تاکید کرد که این کارگران تا آخرین قطره خون از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع خواهند کرد. در این بیانیه می‌خوانیم: "امام خمینی: ممکن است که در آتیه جنگهای طولانی تری داشته باشیم، ملت ایران مقاومت می‌کند و باید مقاومت کند."

در این لحظات سرنوشت ساز، انقلاب و جمهوری اسلامی و میهن عزیزمان مورد تجاوز رژیم ضد مردمی صدام خائن قرار گرفته است. میدانیم که آمریکا به این زودیها دست از سر ما برنمی‌دارد و جنگ اهرزانه عراق با ایران هم جزئی از نقشه آمریکا برای بزاندور آوردن ماست و باید با اینارواز خود گذشتگی ما کارگران، در جنبه وشت جنبه، توطئه‌های سوم امپریالیسم و صهیونیسم رادر هم بکوبیم. وظایف ما کارگران از جمله عبارتند از: ازدیاد بیش از پیش تولید داخلی، ترسیم سریع خرابیهای ناشی از جنگ و مراقبت از کارخانه‌ها و کارگاهها در برابر خرابیهای عمدی ضد انقلاب و جلوگیری از آزارهایی که با وجود میاورد، و بالاخره هر جا که لازم است، شرکت در خط مقدم جنبه دوسادوس برادران پاسدار و ارتشیان انقلابی مومن و مسلمان برای سرکوب نیروهای نظامی دشمن.

بدین خاطر ما کارگران آجر ماشینی فشم، عهدی بندیم تا آخرین قطره خونمان از انقلاب و جمهوری اسلامی و کشورمان دفاع کنیم و به همین منظور تاکنون ۴ نفر از همکارانمان سه جنبه جنگ بی‌بسته اند و ۸ نفر باقیمانده مبلغ ۱۰۱۰۰۰ ریال را بعنوان هدیه تهنیت تقدیم جنگ‌زدگان میکنیم و باتمام توش و توان خود برای پیروزی در جنگ خواهیم کوشید.

شورای متحد پالایشگاه تهران: با توزیع روغن موتور بوسیله اداره پخش وزارت نفت، دست واسطه‌ها را کوتاه کنید

شورای متحد پالایشگاه تهران در تاریخ ۵۹/۸/۱۲ طی نامه‌ای به مسئولین وزارت نفت، که رونوشت آن جهت درج در اختیار جراید قرار گرفته، با بررسی علل کمبود روغن موتور در بازار، خواستار توزیع و پخش آن از طریق اداره پخش وزارت نفت شده است. در این بیانیه می‌خوانیم: شورای متحد پالایشگاه تهران بر طبق اطلاعات بدست آمده، بدین

از آغاز جنگ تجاوزکارانه رژیم جنایتکار صدام علیه انقلاب ایران بیس از دو ماه می‌گذرد. این تجاوز همه جانبه، که در جهت منافع امپریالیسم جهانی و در رأس آن آمریکا جنایتکار، سازمان داده شد، تنها بخشی از سلسله توطئه‌های جهانخوازان آمریکایی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران است. این توطئه‌ها ظاهراً می‌باید نظام نوینی را، که مبتراستقلال و آزادی ایران و نابود کننده ستم فئودالها و سرمایه‌داران بزرگ است، از پای در آورد تا از نو جیره‌خواران آمریکا در قتلگاه مردم آزاد و زحمتکش ایران گرم غارت و خونریزی شوند.

بدیهی است که در برابر این هجوم شیطانی، خلق متحد و یکپارچه- ای قرارداد است که بیش از آن بسیاری از دسیسه‌ها را با هشجاری و فداکاری بی- ارتکرده بود. جنگ ما با آمریکا جنبین آمادگی را می‌طلبد و ناچار همگان برای اعزام به جنبه صف کسیدند، آموزش نظامی دیدند و با چشمان بیدار و جوان عاشق خویش سینه به سینه با دشمن روبرو شدند.

در این میان زحمتکشان و بویسه طبقه کارگر ایران، طبق سنت تاریخی و بنا بر ماهیت ضد استعماری و ضد- امپریالیستی خود، پیشاپیش همگان به مبارزه برخاستند. از شرکت گسترده در خط مقدم جنبه تا پاسداری از کارخانه‌ها و انبارها، در حالی که بیش از پیش، علیرغم محدودیت های ناشی از جنگ، کاری کردند و به افزایش تولید مشغول بودند، با درک درست شرایط و وظایف خویش، کارگران ایران کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی را به دژ تسخیرناپذیر انقلاب تبدیل کردند. در کاروان شهیدان قافله سالار بودند، بر سینه ستیر دلاوران رژیم آور سگر نشین نشان افتخار شدند. هر جا هر چیز که بگونه‌ای دچار نقص می‌شد، آنان به رفع اسکال همت می‌گماشتند و در کنار غوغای ماسین آلات و همه همکار، خسته از سنگینی کار مسئولیت راه اندازی دستگاه‌ها و کارگاه‌ها و افزایش مداوم سطح تولید، با نیرویی پایان ناپذیر به دفاع از انقلاب پرداختند. سایه‌ها را خنثی کردند، تردیدها، دودلی‌ها، ترس و وا همها، نگرانی از آینده را با سوراختنای خویش از دل ها و جان ها راندند، خرابکاری را خنثی کردند، و در یک کلام، بی آن که توقع جندانی داشته باشند، کاری کردند که کارستان، تا انقلاب بماند و روشد کند و آنان نیز چون دیگران از برکتش بهره‌ور شوند. نمونه چنین تلاش ها و اعلام آمادگی ها و کفک ها راهمه جادیده ایم و می‌بینیم. از آن جمله اند مواردی که "نمونه" واری آید:

سندیکای کارگران خطوط لوله و مخابرات نفت ری:

همه انقلابیون جهان، کارگران عراق، بویزه نفت‌گران باید به حمایت از انقلاب ایران برخیزند!

سندیکای کارگران خطوط لوله و مخابرات نفت ری احیاء طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد: "حکومت بعثی عراق، این نوکر حلقه کوس امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم بین الملل، هر روز که میگذرد دست به جنایت و حرکات رذیله و غیر انسانی میزند و با این عمل خود روی تمام سفاکان و جباران تاریخ بسری را سفید کرده است. اخیراً از طریق رسانه‌های گروهی مهنمان اطلاع یافتیم که وزیر نفت و جندتن از همراهان ایسانرا، ایسادی مزدور حکومت فاشیستی ربوده‌اند. هیئت مدیره سندیکای خطوط لوله و مخابرات ری ضمن ابراز انزجار و تنفر، چنین اعمال ننگین و غیر انسانی را محکوم کرده و نظرتمام نهاد های انقلابی و مردمی دنیا را بحركات حکومت ضد خلقی و فاشیستی بعث عراق جلب کرده و از این نهادها می‌خواهیم که بسا مردم انقلابی ایران همگام شوند و حکومت بعثی عراق را محکوم نمایند و از کارگران عراق، بویزه کارگران صنایع نفت عراق درخواست میکنیم که به

استاد قدرت، نجار با سابقه سمنانی: آمریکا دشمن اصلی انقلاب ایران است

برای اطلاع اروض کارگران رحمکس نجار سمنان، بایکی از آنها بنام استاد قدرت که گفتگو سسم او گفت: "مدت چهل سال است که نجار هستم و همواره با زندگی سختی دست به گریبان بوده‌ام. در حال حاضر باید شش نفر را تا ن بدهم و در این شرایط، با این گرانی سرسام آور، واقعا زندگی کردن مشکل است." استاد قدرت در دنباله سخنان اظهار داشت: "برای کار کردن احتیاج به وسائل کار دارم، ولی این نوع وسائل یافت نمی‌شود، و اگر هم پیدا شود، آنرا به چند برابر قیمت اصلی می‌فروشند." از او پرسیدیم: چرا شما کار نمی‌کنی؟ او گفت: "اگر یک نفر را بعنوان کمک بیاورم، باید به همه بدهم، در اینصورت برایم صرف نمی‌کند و اجباراً باید همه کارها را به تنهایی انجام دهم، تا بتوانم زندگی خویش را به پیش ببرم." از استاد قدرت در مورد اتحادیه نجارها پرسیدم. گفت: "قبل از انقلاب یک اتحادیه داشتیم، ولی پس از



استاد قدرت: لازمه پیروزی بر امپریالیسم آمریکا، وحدت یکپارچه خلق است.

پیروزی انقلاب، اتحادیه برچیده شد. در حال حاضر ما فقط یک شرکت تعاونی داریم، که آنهم بدردمان نمی‌خورد، چون وسائل مورد احتیاج را در اختیار ما قرار نمی‌دهد." سپس نظر استاد قدرت را در مورد جنگ چه با سدم. او گفت: "با جنگ مخالفم و باید همه جاملح بر فرار رود و این جنگ هم به ما تحمیل شده است. همه با بدیدا نند که امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی انقلاب ماست و هم اوست که عسراقی را تحریک به تجاوز علیه کشور ما کرده است." او اضافه کرد: "کسانی که در جنبه جنگ شرکت ندارند، وظیفه دارند که به رزمندگان جنبه کمک کنند. باید همه ما هشیارانه عمل ضد انقلاب داخلی را خنثی کنیم و همواره جلوی شایعات تفرقه افکنانه دشمن را بگیریم." استاد قدرت در پایان اظهار داشت که: "لازمه پیروزی ما بر امپریالیسم آمریکا، وحدت یکپارچه خلق است. همه افرادی که موافق انقلاب هستند، باید علیه ضد انقلابیون متحد شوند، تا به این وسیله بتوانیم دشمن را از خاک خود برانیم."

در کارخانه زرم:

کوشش برای پیشبرد انقلاب مورد نظر کارکنان است

روزی چندین نفر از کارکنان زرم (سی کولا) کارکنان در سالن ناهارخوری جمع شدند و مدیریت کارخانه ضمن تشریح وضع فوق العاده و جنگی، از کارکنان خواست که از ضایعات جلوگیری کنند، و تولید را در این شرایط افزایش دهند تا بتوانند سهم ناچیزی در این جنگ ادا کنند.

دیرسورای کارخانه نیز، ضمن تشریح عملکرد دشوار در چند ماه گذشته، اعلام کرد که کارکنان باید جهت مبارزه با امپریالیسم آمریکا، با کوشش بیشتر در پی رسیدن اهداف انقلاب اسلامی ایران و کارخانه بکوسد.

کارکنان گروهی از کارخانه‌ها و شرکت‌های خیابان آزادی تهران:

از سپاه پاسداران می‌خواهیم در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها هسته‌های مقاومت کارگری را سازمان دهد!

حندی سس، از سوی کارکنان گروهی از شرکت ها، تعمیرگاه‌ها و کارخانه‌های خیابان آزادی تهران، در ارتباط با تجاوز رژیم صدام به میهن ما، اطلاعیه‌ای به شرح زیر انتشار یافت:

"در هر نقطه که هستید، سردم را برای جنگ با آمریکا و اذتاب خونخوارش چون عراق آماده کنید." (امام خمینی) اینک شیطان بر گت آمریکا، به دست رژیم صدام حسین و کمک کشورهای وابسته و مرتجع منطقه، جنگی ناخواسته را به ملت قهرمان ما تحمیل کرده است. بایستی برای خنثی کردن تمامی توطئه‌های آمریکا و عمال داخلی و خارجی او و برای پیشبرد انقلاب اسلامی ایران و پیروزی بر رژیم مزدور عراق، هوشیاری انقلابی خود را حفظ کرده و متحدانه دفاع از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران بر خیزیم. ما کارگران و کارکنان امضا کننده زیر، پشتیبانی قاطع خود را از برادران انقلابی ارتشی و سپاه پاسداران و کلیه نهاد های انقلابی و تمامی مبارزان واقعی میهن عزیزمان اعلام می‌داریم

مشکلی در مقابل روند انقلاب

مسئله عویص موفقی اجرای سند "ح" قانون اصلاحات ارضی و کاهش معائب هفت‌های هفت نفری به یکی از مسائل حاد جامعه ما و یکی از مهم‌ترین مسائل روسای ایران بدل شده است. درباره این مسئله سار مهم، طی جلسه "یروش و پاسخ" ۶ آذر ۵۹، شورای ارفیق کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران مطرح شد، که متن آن و سخن در شماره ۳۸۵ نامه "مردم" انتشار یافت.

عین پس اس "روش و پاسخ" را در اس صفحه بار دیگر حساب می‌کنیم: س. با اطلاعاتی که اخیراً رسیده و صحبتی که آقای دکتر بهشتی رئیس دیوان عالی کشور در مورد قانون اصلاحات ارضی و فعالیت کمیسیون‌های هفت نفری کرده‌اند، ظاهراً بخش مهمی از قانون اصلاحات ارضی که همان ماده "ج" مربوطه است، یعنی تقسیم اراضی بزرگ مالکان بین دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین، مسکوت گذاشته شده و به بعد از جنگ و به شرایط مساعدتری موقوف شده است. نظر حزب توده ایران در این مورد چیست؟

ح: نظر ما در این مورد کاملاً روشن است. ما در پیشنهاد تشکیل "حبه" متحد خلق که بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب مطرح گردید و نیز پیش از آن در دوره‌های طولانی قبل از پیروزی انقلاب، همیشه مسئله نابودی بقایای رژیم ارباب - رعیتی و رژیم فئودالی را که بزرگ‌مالکی یکی از مهم‌ترین ارشیه‌های آن و یکی از عناصر آن است - بعنوان یکی از لازم‌ترین و مبرم‌ترین اقدامات برای هرگونه تغییر بنیادی در نظام وابسته اقتصاد ایران ارزیابی کردیم و همیشه اصرار داشتیم که اولین اقدام یک دولت انقلابی که بخواهد به سود توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان و محرومان ایران عمل کند، عبارتست از انجام اصلاحات ارضی. اصلاحات ارضی فقط اهمیت اقتصادی ندارد، بلکه اهمیت سیاسی هم دارد. یعنی تا وقتی که بزرگ‌مالک در روستاهای ایران تمام اقتصاد را در جنگال خود دارد، دمکراسی و آزادی غیر ممکن است. تمام شریان‌های اقتصادی یک روستا در دست دارد و می‌تواند تمام سیاست روستا را همیشه در ید قدرت خود نگاه دارد و مانع از آن شود که مفهوم آزادی اصلا در آنجا ساده شود. شرط اول، و ضروری برای این که آزادی اکثریت بیش از نصرت درمند جامعه ایران، یعنی دهقانان که بیس از نیمی از آنها بی‌زمین و کم‌زمین هستند - آزادی‌هایی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تضمین کرده - در روستا - ها به دست آید، این است که سایه جنایت‌بار و نفس‌سلاک‌کن بزرگو غارتگر جامعه ایران از سر روستاهای ایران کم شود. به همین دلیل هم در تمام انقلاب‌هایی که در کشورهای نظیر ایران به وقوع پیوسته و تغییرات بنیادی در جامعه بوجود آورده‌اند، یکی از اولین کارهایی که انجام گرفته، اصلاحات ارضی بوده است و تا اصلاحات ارضی صورت نگیرد، انقلاب به معنی واقعی خود روی تصویب نامه‌ها، اطلاعیه‌ها و برنامه‌ها باقی خواهد ماند. به این ترتیب ما متأسفانه از این که نیروهای مترجم روستا، بزرگ مالکان و لیبیرال‌ها و ضد انقلاب که از همین هاستیبانی می‌کنند، در نتیجه فشار فوق‌العاده زیاد خود موفق شده‌اند انجام این

در شورای انقلاب تصویب شده، این قانون به تصویب فقهای کاملاً معتبر رسیده و قرار شده به مورداجرأ گذاشته شود. وسایل اجرای آن هم تدارک دیده شد و کمیسیون هفت نفری نیز برای اجرای آن انتخاب گردیده است. حال اگر این کار متوقف شود ناامیدی بهار خواهد آورد و حتماً می‌تواند ناراحتی‌های خیلی سختی بین میلیون‌ها دهقان بی‌زمین و کم‌زمین که همگی انتظار اجرای این قانون را داشتند، بوجود آورد. این امر می‌تواند موجب تسدید بحران‌های جدی در روستا - های ایران شود و این خطر وجود دارد که بویژه ضدانقلاب بتواند از ناراضی دهقانان در این زمینه بهره‌گیری کند. یعنی بتواند از آن‌ها حسه خود می‌خواهد و خود فشار آورده، به زبان انقلاب بهره‌گیری کند. از این جهت است که ما باز هم هشدار می‌دهیم که این مسئله، مسئله سوخی نیست. این مسئله مانند مسئله قیمت بنزین یا پرداخت بول بنزین به تاکسی‌ها یا دادن اجازه رانندگی به سئ‌هزاریها هشت‌هزار نفر نیست، بلکه میلیون‌ها نفر از دهقانان که نیروی بزرگ‌کار ایران را تشکیل می‌دهند به این مسئله علاقه‌مند هستند و انتظارات خیلی زیادی از اجرای این قانون داشتند و عدم اجرای آن می‌تواند ناامیدی و سرخوردگی خیلی خطرناکی در آن‌ها بوجود آورد.

دهقانان! از اعضای متعهد نهادهای انقلابی
جهاد سازندگی و سپاه پاسداران
برای تشکیل شورای ده
و تسریع کار هیئت هفت نفری کمک بگیرید



مش‌حسن کارگر کشاورزی (بخش بهار همدان) مشغول پاشیدن بذر است، اما روی زمین دیگران، او منتظر است که هیئت واگذاری زمین، به او زمین بدهد. می‌گوید: در خیلی سال پیش ۲ گوهان (۱۶۰۰ متر) زمین داشته، ولی چون به پول احتیاج پیدا کرده، مجبور به فروش زمین خودش است. بعلت فصلی بودن کار کشاورزی، او مجبور است که مدتی از سال را هم کارگر ساختمانی باشد. با واگذاری زمین به این‌گونه زحمتکشان بی‌زمین به پیشرفت تولید و بهبود زندگی روستائیان باید کمک کرد.

هیئت ۷ نفری مجری سیاست ارضی انقلابی

در روستای "قره‌لر" از توابع باراندوز جای، واقع در ۱۵ کیلومتری ارومیه، ۴۰۰ خانوار، یعنی حدود ۳۰۰ نفر زندگی میکنند. ۸۰ خانوار این روستا بی‌زمین و بی‌س از ۱۰ خانوار دهقانی کم‌زمین هستند. در عین حال مالک عمده در این ده دارای ۱۰۰۰ طناب (۴۰ هکتار) زمین است. اهالی روستا ۵ نفر را بعنوان شورای ده انتخاب کرده‌اند. اخیراً از طرف هیئت ۷ نفری سیاهه‌افرا دبی‌زمین و کم‌زمین روستا و همچنین - با تعیین عرف محل و طبق قانون - اندازه وسعت زمین ارباب تعیین گردیده است. دهقانان تهدیدست با بی‌بصری منتظر اجرای واگذاری زمین به آنان هستند و معتقدند که منطقه آنها کاملاً مساعد برای اجرای قانون است، و بنا بر این ادامه فوری وقاطع کار هیئت هفت نفری را طلب میکنند. از این راه دهقانان از بند زنجیر سارستی که سالیان دراز بزرگ مالک‌ها برای آنان بسته بودند، رهایی خواهند یافت و در جهت خودکفائی کشاورزی کوشش خواهند کرد.

بهرام کریمی، بی‌مرد تقریباً ۸۰ ساله ایست که دارای چهار فرزند و بطور کلی ۲۲ نفر اهل و عیال (نوه و فرزند) است. آنها همه با هم زندگی میکنند. نمونه‌ای از چند نسل دهقانانی است که دل سری از ظلم و جور ارباب دارند. کریمی می‌گوید: "من حدود ۱۲ سال پیش ۳ طناب اکی بیس از یک هکتار) زمین از ارضی ارباب را کشت کردم. از آن موقع تا کنون من همیشه متحمل مخارج کشت، از قبیل تهیه بذر، کود و غیره بوده‌ام. سر محصول، ارباب، که هیچ کاری نمی‌کند، نصف آنرا تصاحب می‌کند و فقط نصف دیگر مال من میشد." او درباره خواستهایش از انقلاب می‌گوید: "از دولت ما انتظار داریم که ما بحتاج روزانه ما را تامین کند. روغن نایاب است و همه چیز گران است. روغن، کبریت، برنج و غیره را نمی‌توان خرید. واقعاً کم‌رنکن است."

حالا البته جنگ است وضع سخت، اما ما منظور که امام خمینی هم گفتند، مسئولان باید بفکر مردم باشند و این مسائل را حل کنند. روستاها بخت جبهه ما است و باید از نظر تولیدی تقویت شود. مسلاً اگر مشکلات عمده دهقانان روستای "قره‌لر" از نظر کمبود آب زراعی و نبودن امکانات سم‌پاشی و مبارزه با آفات حل شود، تولید بالا خواهد رفت و نقشه آمریکا کسوت خواهد خورد. بهمین جهت دهقانان بحق از دولت خواستار امکانات لازم برای ترقی کشاورزی و از بیاد محصول و بیمه محصولات در برابر آفات و بلاها هستند، تا بتوانند در جهاد کشاورزی فرموده امام شرکت کنند و بر روی زمین‌هایی که حق آنهاست و در نتیجه اجرای فوری و کامل قانون، مال آنها خواهد شد، بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به کار و کوشش بردارند.

تاخیر در اجرای قانون اصلاحات ارضی تنها بسود ضدانقلاب است

روستای کوک دی زار از بخش طفرود، در شهرستان قم در ۸ کیلومتری جاده ساوه قرار دارد. در این روستا ۹ خانوار ساکن هستند و جمعیت آن به ۶۳ نفر میرسد. کار روستا گیان کشاورزی و دامداری است. در این روستا ۱۰۰ هکتار زمین زیر کشت است و به هفت خانوار تعلق دارند. ترکیب مالکیت بر ارضی زیر کشت بگونه‌ای است که فی‌المثل یک خانوار صاحب ۳۰ هکتار، دیگری ۱۵ هکتار و سومی ۳ هکتار است. همچنین مقدار روستا وجود دارد. در روستای دی‌زار نیز ۳۰۰۰ راس گوسفند موجود است که برخی زخانواده‌های روستایی بین ۳۰۰ تا ۵۴۰ گوسفند دارند. با استفاده از بندهای الف و ب، قانون می‌تواند ۳۰۰ هکتار زمین را به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین داد و کشاورزی و دامداری را تشویق و تحکیم کرد.

روستای دی‌زار فاقد درمانگاه و خانه بهداشت و دیگر امکانات درمانی است. این روستا همچنین آب لوله‌کشی و برق ندارد. روستائیان به هنگام بیماری و برای مداوا باید ۱۳ کیلومتر راه تا گا زرون طی کنند. آب مصرفی روستائیان از قنات تا میس می‌شود. نکته قابل ذکر ابیکه از سوی جهاد سازندگی ماهیانه بزرگ به روستا مراجعه می‌کند.

روستای دی‌زار دارای حمام بهداشتی است و نیز توالیت بهداشتی از سوی جهاد در این روستا ایجاد شده است. نکته دیگری که باید ذکر گردد اینست که تاکنون چندین بار بوسیله کمیته بزرگسای جهاد جلسات سخنرانی درباره "شمرات انقلاب و تشویق روستائیان به حفظ دستاوردهای انقلاب بر سر گردیده است. در این روستا مدرسه ابتدایی وجود دارد و تعداد دانش‌آموزان آن ۱۳ نفر است. خواست اساسی روستائیان زحمتکش اجرای قانون اصلاحات ارضی و واگذاری عادلانه ارضی به آنان است. آنان همچنین خواستار روستا روستا و تامین امکانات رفاهی هستند.

در این شرایط، که اجرای سند "ج" قانون اصلاحات ارضی متأسفانه - اگرچه موقتاً - بتأخیر افتاده است، در روستای دی‌زار می‌توان نباید هر چه زودتر و سریعتر بندهای الف و ب را به اجراء آورد و مثلاً با واگذاری ۳۰۰ هکتار زمین بایر بطور مساع و تشویق روستائیان به کارر تاعونی و نیز ارائه وسایل و امکانات کار ب روستائیان، این ارضی را به زیر کشت برد. این خواست زحمتکشان و خواست رهبران انقلاب است که با رسیدگی مجدانه به وضع روستاها، این رنجبران و محنت‌سیدگان بتوانند با خیال آسوده به وظیفه بزرگ خود ادامه دهند. دشمنان انقلاب را سرکوب کنند و راه حرکت انقلاب را هموار سازند. دهقانان از جهاد و از کمیته بزرگسای جهاد در برپایی جلسات سخنرانی سازگزارند. لازم است که اینگونه اقدامات به همه روستاها گسترش یابد، تا موجب ارتقاء سطح آگاهی روستائیان زحمتکش گردد.

خلق السالوادور می رزمند

سرکوبگری ضد انسانی رژیم نظامی السالوادور، هفته‌ها و ماه‌هاست که روزانه به قیمت جان ده‌ها میهن‌دوست این کشور شام می‌شود. بموجب برآورد منابع کلیسایی السالوادور، از آغاز سال جاری میلادی (۱۱ دیماه) تاکنون بیش از ۵۵۰۰ نفر به‌هلاکت رسیده‌اند. بیشتر قربانیان ترور ارگان‌های

اجساد میهن پرستان نامبرده، حندی بعد در شهر "سان میگوئل"، واقع در ۱۳۰ کیلومتری شرق سان سالوادور پیدا شدند. "درو"، در این اظهاریه، همچنین ادامه کمک اقتصادی و نظامی واشنگتن را به رژیم خونخوار محکوم ساخت.

بگزارش منابع مکزیکی، سفیر ایالات متحده آمریکا در سان سالوادور همین چند روز پیش ۲/۷ میلیون دلار دیگر بعنوان اعتباریه رژیم خونخوار پرداخت.

حندی پیش، "ما توتینو"، روزنامه پانامایی، نوشت که ایالات متحده آمریکا، با استفاده از پایگاه‌های خود در منطقه کانال پاناما، نه تنها به پروازهای جاسوسی علیه نیکاراگوا و دیگر کشورهای آمریکای لاتین مبادرت می‌ورزد، بلکه به خونخواری السالوادور نیز کمک نظامی می‌رساند. "ما توتینو"، بدرستی، اقدامات



نامبرده را بعضی مکرر فرار داده‌های کانال پاناما نامید. تنها در سه‌هفته اخیر، هواپیماهای باربری ایالات متحده آمریکا، در ۱۳۷ پرواز اسلحه، تجهیزات نظامی و مهمات به السالوادور آوردند.

در این میان، سازمانهای مسلح انقلابی، که از پشتیبانی اکثریت مردم السالوادور بهره‌مند هستند، پیکار بی‌گروختگی نا پذیر خود را تقویت می‌بخشند. هر چند "خونخوار" می‌کوشد تا درباره نیروهای جنبش خلق سکوت اختیار کند، ولی بگزارش مطبوعات مکزیکی، چریک‌های السالوادور در هفته‌های اخیر حداقل ۱۸ بار نیروهای "خونخوار" را درگیر ساخته و بسیاری از مؤسسات اقتصادی متعلق به "۱۴ فامیل" السالوادور را منهدم کرده‌اند.

چنانکه "پوزیسون"، ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست مکزیکی، مینویسد، مبارزه انقلابی خلق السالوادور، پس از اعتماد عمومی تابستان امسال وارد "مرحله تعیین کننده‌ای" شده است. این روزنامه می‌افزاید که، پیکار نیروهای چپ و دمکراتیک انقلابی، "هر چه بیشتر توان می‌یابد، ماطمینان داریم که نیروهای خلقی و انقلابی السالوادور سرانجام به رژیم نظامی والیگاری سرکوبگر و وابسته به امپریالیسم السالوادور پیروز خواهند شد.

«پس شش...»

بقیه از صفحه ۳

در جهت تضعیف موضع‌گیری ضد امپریالیستی و خلقی در جهت و تنبیه نظام کهنه سرمایه‌داری گام برمی‌دارند، مبارزه قاطع و افسارگانه برای بیرون راندن آن‌ها از صحنه سرنوشت سیاست ایران است. در این مبارزه هم البته ما باید منتظر باشیم که مانند گذشته مرتب نه فقط از طرف دشمنان و مخالفین و انتقاد شدگان مان مورد حمله، ناجوانمردانه توأم با فحاشی‌های بسیار رکیک و زنده روبرو سویم، بلکه عده‌ای از آن کسانی هم که با ما در یک جبهه مبارزه می‌کنند، در نتیجه این که جرئت مقابله با اتهامات را ندارند و برای این که بگویند "خیر، ما کمونیست نشده‌ایم، توده‌ای نشده‌ایم!"، همان فحش‌ها را نسبت به ما تکرار کنند، به ایمن ترتیب ما از دو طرف مورد هجوم هستیم. آن هم فقط با فحش و ناسزا و توهین و افترا. ولی موضع‌گیری ما تحت تاثیر این برخورد قرار نمی‌گیرد. ما این موضع‌گیری‌مان را فقط بر اساس تحلیل درست از مسایل جهان و ایران

چاد همچنان در گیر جنگ خانگی است

جنگ خانگی که نزدیک به سه سال است در چاد بیداد می‌کند، با شدت هر چه بیشتر ادامه دارد. آخرین کوشش برای حل این مسئله نیز، مانند تلاش‌های دیگری - نتیجه ماند.

کنفرانسی که برای مذاکره بی‌امون حل مسئله چاد در لومبر، پایتخت توگو، با شرکت رهبران دو گروه عمده نظامی - سیاسی متخاصم - گوکونی اوئشیدی، رئیس "دولت موقت وحدت ملی چاد" ("گونت") وحسن هابیر، وزیر دفاع پیشین این دولت - و سران کشورهای توگو و سیرالئون و جمهوری تووادی بنین برگزار شد، پس از دو روز با ناکامی پایان یافت.

ادم کوچو، دبیرکل "سازمان وحدت آفریقا"، پس از قطع مذاکرات کنفرانس لومه، اعلام داشت که از این پس وزیران خارجه کشورهای عضو این سازمان، مسئله آتش‌بس را در چاد پیگیری خواهند کرد. کنفرانس نامبرده همچنین نتوانست درباره گسیل احتمالی نیروهای صلح آفریقا به چاد به توافق برسد.

احد اصیل، وزیر خارجه چاد، توضیح داد که چند روز پیش از آغاز "کنفرانس لومه" در روزنامه الجزایری "المجاهد" انتشار یافته اعلام کرده بود که دولت وی حاضر است مصوبات کنفرانس لاگوس "سازمان وحدت آفریقا" را بپذیرد. در این کنفرانس که تابستان سال ۱۳۵۸، با شرکت نمایندگان یازده گروه مختلف نظامی - سیاسی چاد و کشورهای همسایه در پایتخت نیجریه برگزار شد، بیانی برای کمک به حل مسئله چاد با مضاء رسید. چندی بعد، در پائیز ۱۳۵۸ دولت موقتی تشکیل گردید، که ریاست آنرا اوئشیدی به عهده داشت و حسن هابیر وزیر دفاع آن بود. ولی در پی درگیری‌های سختی که بهار امسال بار دیگر چاد صورت گرفت، حسن هابیر، بعنوان

مقصر اصلی اعلام و از سمت وزارت دفاع معزول شد.

در این میان، مردم چاد هستند که از همه بیشتر از بیامدهای خانمان برآید از جنگ خانگی و سستی‌های دامنه دار میان گروه‌های گوناگون، رنج می‌برند. تاکنون ده‌ها هزار تن از آنان بی‌خانمان و بی‌کار شده‌اند و شبکه آذوقه‌رسانی و ارتباطات تقریباً بی‌وجود گردیده است.

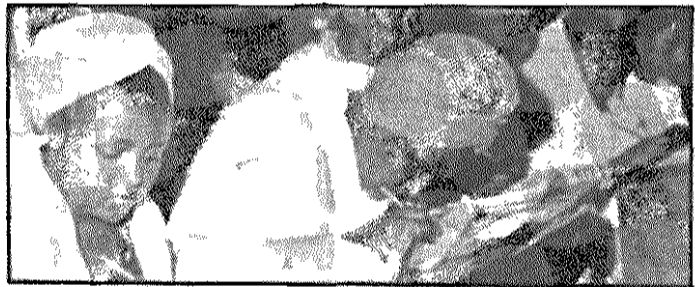
تنها در نجامن، پایتخت چاد، در دو ماه آوریل و مه (۱۲ فروردین تا ۱۰ خرداد) دو هزار نفر به‌هلاکت رسیدند و پنج هزار تن مجروح شدند. فزون بر این در همین مدت ۱۲۰ هزار نجامنایی از طریق رودخانه مرزی "شاری" به کامرون گریختند.

هنوز امیدی نیست که جنگ خانگی چاد بزودی پایان پذیرد. احدا صیل، وزیر خارجه چاد، همچنین "مداخله نیرو-های خارجی، از جمله استعمارگساران فرانسه" را مسئول رویدادهای چاد خوانده است. که "ارتش شمال"ها بر او تسلیم و تجهیز می‌کنند. چندی پیش، خبرگزاری ریه از داکار، پایتخت سنگال، گزارش دادند که گروهی از لژیونرهای خارجی از جمهوری فدرال آلمان، ایتالیا و بریتانیا، در میان سپاهیان حسن هابیر می‌جنگند و صدها تن از آنان در ۶۰ کیلومتری نجامن مستقر شده‌اند.

بگفته اصیل، وزیر خارجه چاد، دولت فرانسه علیرغم آنکه "پشتیبانی خود را از فیصله" درگیری‌ها به "گونت" اعلام داشته است، از طریق رسانه‌های گروهی خود، بویژه "راديو فرانسنس انترناسیونال" برای طرف متخاصم تبلیغ می‌کند.

محافل آگاه همچنین خاطرنشان می‌سازند که فرانسه، علیرغم تصمیمات لاگوس همچنان از فراخواندن کامل نیروهای خود در چاد امتناع می‌ورزد.

در ظرف کمتر از یکسال و نیم، هشت میلیون اتیوپیایی سواد



آموخته‌اند

تزدیک به دو ماه پیش، دوره سوم کارزار مبارزه با بیسوادی در اتیوپی، با امتحانات کتبی و شفاهی پایان یافت. پس از آنکه در دوره نخست، شش میلیون شهروند این کشور سواد نوشتن و خواندن را آموختند، قرار بود که در دوره سوم، یک میلیون تن دیگر، بویژه از خانواده‌های دهقانی، به سواد آموزی بپردازند. این برنامه بسا موفقیت دو بست در صد انجام شد. بدین ترتیب، در کمتر از یکسال و نیم، هشت میلیون اتیوپیایی، نه تنها از "نعمت" سواد بهره‌مند گردیدند، بلکه بسیاری از آنها، علاوه بر خواندن و نوشتن، برخی مقدمات حساب و اصول بهداشت را نیز یاد گرفتند. تاکنون ۴۶ هزار

معلم حرفه‌ای، آنها نیز در تالیف برخی جزوهای آموزشی سهیم بوده‌اند. مبارزه با بیسوادی، که دارای اهمیت بسزایی برای تحول اجتماعی اتیوپی است - بخش می‌کنند. از سستی‌های همه جانبه رادیو و بیسوادی در اتیوپی تلویزیون برخوردار تا ۷-۵ سال دیگر، رادیو و بکلی ریشه کن گردد.

برگزیده‌ایم و نه عوامل ذهنی، هر چقدر هم فحاشی علیه ما رکیک باشد، تنها ما باید این یادآوری را بکنیم که البته اتخاذ این شیوه‌ها از طرف دشمنان و مخالفین، آگاهانه باعث تضعیف نیروهای جبهه متحد خلق می‌شود، ولی اعمال آن‌ها از طرف نیروهایی که جای‌شان در جبهه متحد خلق است به انسجام نیروها برای مبارزه بزرگی که در پیش داریم و به این آسانی‌ها و زود‌ی‌ها از آن خلاص نخواهیم شد، صدمه بزرگی خواهد زد. گفتار دیروز امام خمینی از اول تا آخرش عبارت بود از این که می‌باید در جهت اتحاد نیروها کوشش کرد، می‌باید تلاش کرد که همه آن نیروهایی که در آن نبرد بزرگ برای درهم شکستن طاغوت و بیرون راندن امپریالیسم آمریکا شرکت صادقانه داشتند، جمع کرد، گفتار دوم دیروز امام خمینی هم فوق‌العاده مهم بود. در این گفتار امام به نهادهای انقلابی که قدرت را در دست دارند یادآور شدند که باید در کار خود در تمام زمینه‌ها واقعا تحدید نظر حدی بکنند تا نواقص و کمبودهایی که وجود دارد و به این نیروهای مخالف و ضد انقلاب فرصت سوء استفاده می‌دهد، رفع شود. به این ترتیب یکی از مسایل مهمی که الان در مقابل دولت جمهوری اسلامی و نهادهای انقلابی قرار دارد، عبارت از این است که با یک خانه‌تکانی خیلی خیلی حدی نه فقط عناصر ناهب و ناصالحی را که در دستگاه‌های آن‌ها نفوذ کرده‌اند، از خود برانند، بلکه همچنین در برخی از تصمیمات نادرست خود که تنها موجب نارضایتی قشر وسیعی از افراد مردم شده است، تحدید نظر به عمل آورند. خیلی از این افراد از نظر طبقاتی در مواقع ضد انقلاب و ضد جمهوری اسلامی قرار ندارند و نباید سبب شد که آنان در نتیجه استیاء نهادهای انقلابی و یا خراب‌کاری عناصر ضد انقلابی به سربازانی برای نیروهای ضد انقلاب یا نیروهای لیبرالی، که با تمام قوا می‌خواهند بکشند تا اساس جمهوری کنونی ما را در هم بکنند، تبدیل شوند. باید این نیروها را جمع و کوشش کرد تا زهرگونه کاری که افتراق میان آن‌ها ایجاد کند اجتناب شود.

گرایش سازشکارانه لیبرالیسم با امپریالیسم قانونمند است

لیبرالیسم یک موضع طبقاتی - سیاسی است. پس برخورد به لیبرالها ذهنی و شخصی نیست و نباید باشد. یعنی صحبت بر سر این نیست که چون در میان لیبرالها عناصر ناسالم و مشکوک دیده میشود، پس باید با آنها مخالفت کرد، و یا چون فلان لیبرال عنصر ناسالم و مشکوک است، پس لیبرالیسم بد است و یا هر کس که از مواضع لیبرالی دفاع کرد، جاسوس امپریالیسم است.

لیبرال، بعنوان نماینده سیاسی و فکری قشر بورژوازی لیبرال، طرفدار سرمایه‌داری است و در دوران ما هر کس که طرفدار سرمایه‌داری باشد، بالاخره حتی در وراء اراده خود و صرف نظر از حسن نیت و سوء نیت خود، در مقابل خلق قرار میگیرد و به سازش با امپریالیسم و به هم پیوندی با امپریالیسم میرسد و سرانجام به کارگزار امپریالیسم مبدل میشود. این سر نوشت لیبرالها محصول اتم‌بوم یا خیالیاتی نیست، بلکه یک اصل علمی و یک قانونمندی بی‌چون و چراست. افرادی که موضع لیبرالی دارند، طبق منافع قشر اجتماعی خود عمل میکنند و یا به این قشر اجتماعی، یعنی بورژوازی لیبرال، تمایل دارند و میخواهند کشور از راهی برود که به مناسبات سرمایه - داری لطمه وارد نیاید، و کوشش در راه حفظ و ادامه مناسبات غارتگرانه سرمایه‌داری، آنها را چه بخواهند، چه نخواهند، بسوی پیوستن به سیستم جهانی امپریالیسم سوق میدهد و در یک چنین سیستم پیوستگی، برای سرمایه‌داری ضعیفی مانند ایران، در برابر غول

عظیم امپریالیسم جهانی، بویژه امپریالیسم آمریکا، چیزی جز وابستگی و دست‌نشانده‌گی، نقش دیگری باقی نمی‌ماند. لذا اگر کشور از راه پیشینهادی لیبرالها، یعنی از راه رشد سرمایه‌داری و هم پیوندی مجدد با امپریالیسم برود، انقلاب به شکست خواهد رسید، خون دهها هزار شهید پدید خواهد رفت و کشور مامجددا در دام وابستگی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی امپریالیسم گرفتار خواهد شد. علت مخالفت و مبارزه ما با لیبرالیسم و لیبرالها همین است.

گاه با تعجب سئوال می‌کنند که: این آدمیکه امروز لیبرال شده است، دارای سوابق مبارزاتی است. چگونه رژیم شاه بوده است، امروز طرفدار سازش با آمریکا و بازگشت آمریکاست؟ باید بگوئیم که اینگونه برخوردها، که «اشخاص» را در مرکز قضاوت و ضابطه حکمیت قرار میدهند، غیر علمی و نبادرست هستند. البته «اشخاص» و سوابق آنها دارای اهمیت است و نمیتوان آنها را نادیده گرفت. ولی آنچه که باید مبنای تحلیل و قضاوت علمی قرار گیرد، «شخص» نیست، بلکه عمل، سیاست و موضعگیری شخص است. ماهیت اشخاص را، با اصطلاح معروف، چشم و ابروی آنها معین نمی‌کند، بلکه این عمل، سیاست و موضعگیری شخص است که میتواند به او شرافت و سربلندی عطا کند و یا برعکس، از او در ردیف مطرودان و مردودان جامعه قرار دهد.

هر شخصیتی اگر در سمت تاریخی، در سمت منافع توده‌های میلیونی محروم و زحمتکش و مستضعف، در سمت استقلال و آزادی و ترقی و سربلندی میهن و خلق خود حرکت کند، مقبول و محترم و انقلابی است، و اگر برخلاف آن رفتار کند، مطرود و منقور و ارتجاعی خواهد بود. ممکن است شخصیتی در مرحله‌ای همراه خلق و انقلاب حرکت کند و تا جای معینی همراه با خلق و انقلاب پیش بیاید، ولی در مرحله معینی، بغلت منافع طبقاتی نامشروع خود، از پیشروی بازایستد و نه تنها خود ترمز کند، بلکه حتی بکوشد در مقابل مجموع جریان انقلاب سد و مانع ایجاد کند و انقلاب را به قهقرا و یا انحراف بکشاند. پیش آمدن چنین وضعی برای اینگونه اشخاص گرچه تاسف‌آور است، ولی بهر حال جز عملی علیه انقلاب نام دیگری نمیتوان بر آن نهاد.

لیبرالهای ما امروز به همین درد اسفناز مبتلا شده‌اند. از گذشته بورژوازی لیبرال میگذریم. تاریخ سه چهار سال اخیر آنها را بشما به نمایندگان بورژوازی لیبرال ایران، از پیش چشم بگذرانیم: بورژوازی لیبرال ایران قبل از انقلاب جزء نیروهای مخالف دیکتاتوری شاه بود، زیرا از رفتار بورژوازی بزرگ و وابسته، که شاه و خاندان سلطنتی در راستی قرار داشتند، با محدودیتها و ممانعت‌هایی در زمینه «آزادی غارت» و «شرکت در غارت» مواجه بود. بورژوازی لیبرال برای آن در انقلاب شرکت کرد که، آنچه را که محدودیت و ممانعت در راه «آزادی غارت» و «شرکت در

غارت» میدانست، از سر راه بردارد، و نه برای اینکه خود سرمایه‌داری بطور کلی ملغی گردد و حکومت توده‌های محروم و مستضعف در ایران ایجاد شود. بهین دلیل نمایندگان بورژوازی لیبرال حتی با ماندن شاه «در چار چوب قانون اساسی» هم موافق بودند. ولی وقتی که این هم از دستشان در رفت، پس از پیروزی انقلاب کوشیدند انقلاب را در چارچوب مناسبات سرمایه‌داری محدود سازند، و وقتی که «انقلاب دوم» این را هم از دستشان گرفت و مسئله تمعق انقلاب بسود توده‌های محروم و مستضعف مطرح شد، آنها به مقابله برخاستند و بتدریج به صف آرائی آشکار علیه تمعق انقلاب پرداختند.

نبرد قهرمانانه مردم ایران به رهبری امام خمینی علیه متجاوزین صدامی، انقلاب بزرگ ما را بیشتر به عمق برد. مسئله سلب اقتدار از سرمایه‌داری و وابسته، مسئله دولتی کردن بزرگان خارجی، مسئله تخصیص دوستان و دشمنان واقعی انقلاب در صحنه جهانی و تکیه بر جبهه ضد امپریالیستی جهانی و انواع مسائل بنیادی از این قبیل، بصورت جدی و عملی مطرح شد. در اینجا دیگر لیبرالها دادشان به آسمان بلند شد و بعنوان «دفاع از آزادی» - یعنی آزادی برای حفظ و ادامه غارت سرمایه‌داری - به رویارویی آشکار علیه انقلاب جسارت ورزیدند و در واقع به سیم آخر و یا ماقبل آخر زدند. این بود جریان و مراحل عمده پیشروی، توقف، نق‌زدن، به قهقرا رفتن و

جاده صاف کن ضد انقلاب شدن بورژوازی لیبرال ایران باختصار. و همه دیگر مخالفان انقلاب و جمهوری اسلامی هم، وقتی که صف بندی لیبرالها را در مقابل انقلاب دیدند، بدون استثناء اختلافات داخلی را مسکوت گذاشته، ماچ و بوسه کردند و در زیر پرچم لیبرالها گرد آمدند. یعنی بقایای بزرگ سرمایه‌داری طاغوتی، بزرگ زمین‌داران، و عاظم السلاطین و عاظم المالکین، ساواکی‌های مستتر، ماموران سیا، «تربچه‌های پوک» و دیگر ضد انقلابیون هم - در همان حال که عمل مستقل ضد انقلابی خود را انجام میدهند - از پرچم لیبرالیسم بر ضد انقلاب استفاده میکنند.

پس وقتی که ما از کسی یا گروهی بعنوان «لیبرال» یاد می‌کنیم و جریانی را «لیبرالیسم» می‌نامیم، منظورمان افترا و یا اهانت به کسی نیست و اصولا افترا و اهانت کردن کار حزب ما و راه ما نیست. ما این جریان را می‌بینیم و نام علمی خودش را هم به آن اطلاق می‌کنیم. کما اینکه به ویا می‌گویند «دوبه» و به کوری می‌گویند «کوری» و نه چیز دیگر.

اینکه همه نیروهای انقلابی و آگاه ایران امروز لیبرالها را مورد افتضاح قرار داده‌اند، نه «افتای» کسی است رنه امری تصادفی، این افتضاحی همگانی از آنجاست که همه نیروهای انقلابی و آگاه ایران درک کرده‌اند که لیبرالها جاده صاف کن ضد انقلابند و لذا با افتضاء و طرد لیبرالیسم، در واقع ضد انقلاب را زیر ضرب گرفته‌اند.

رزمندگی و ایثار...

بقیه از صفحه ۱
و دم بر نمی‌آوردند، با کمبوها می‌سازند، نبودها را تحمل میکنند، برای آنکه انقلاب بماند، پسا بگیرد، استمرار یابد و روزی سرانجام، بنای یک زندگی انسانی را برای آنان بنا نهد و در پیچه‌ای از روشنائی بر کبود شامشان بگشاید.

این آزاده مردمی که هم بار جنگ را بر دوش دارند و هم بار محرومیت‌های ناشی از فقر و بیسوادی قرون راه، صاحبان واقعی این کشورند، این صاحبان واقعی باید روزی سرانجام در خانه خود روی آسایش و فراغت بینند و معون از سيطرة امپریالیسم و طبقات و اقتدار استثمارگر، صاحب خانه خویش بنهند.

تصمیمات...

بقیه از صفحه ۱
باشد، ریاضیات را با اندازه رفع حوائج زندگیش باید بیاموزد. همه کسانی که بعد از اجرای طرح نظام آموزشی جدید در ایران متولد میشوند، این دوره را بدون استثناء باید بگذرانند.

بقیه از صفحه ۱
برای آنکه آن توده مستضعف انقلابی و میهن دوست و فداکار و جانباز و انسان دوست بتواند سرانجام روی نیکبختی بیند، باید دست سرمایه‌داران وابسته، بازرگانان عمده، واسطه‌ها، دلالها، فئودالها و زمینداران بزرگ را، که از خون مردم تغذیه میکنند، از اقتصاد کشور کوتاه کرد.

کمی کارآموزی است و بعد از...

بقیه از صفحه ۱
یکی از مهمترین نقایص نظام آموزشی طاغوت، عدم توجه به تربیت و پرورش تکنیسین و کارگر ماهر در حین آموزش دبیرستانی بود. جوانان ما پس از ۱۲ سال آموزش دبستانی و دبیرستانی، چنانچه موفق به ادامه تحصیلات عالی نمیشدند - که در مورد اکثریت چنین بود - باید در ادارات دولتی و موسسات خصوصی «پشت میز نشین» میشدند و در غیر اینصورت قادر به تامین معاش خویش نبودند، زیرا آنچه در مدرسه آموخته بودند، بکار زندگی‌شان در جامعه نمی‌آمد و آنچه جامعه از آنان میخواست، در مدرسه نیاموخته بودند.

کمی کارآموزی است و بعد از...

بقیه از صفحه ۱
توجه به آموزش حرفه‌ای و فنی، ضمن تحصیلات دبیرستانی، آن گام مهم، لازم و ارزنده‌ای است که هم میتواند نیروی متخصص مورد نیاز اقتصاد کشور را تامین کند و هم مانع از هجوم بی‌دلیل جوانان به دانشگاهها شود. تحصیلات دانشگاهی به گفته آقای نائینی از این پس تابع ضوابط جدیدی خواهد بود. آقای نائینی گفت: «برای جوانانی که اکنون در جبهه‌ها حاضرند جان خود را فدا کنند، اینها برمیگردند و عملاً امتحان و گنگور خود رانده‌اند، یعنی عملاً نشان داده‌اند که حاضرند برای اعتلای این کشور

کتاب سید و دل‌زین کنیم
خانم خراب که نسیم آه‌او
رقبای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان!
ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما چهلین سالگرد تاسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم
برای خریدن و یا ساختن خانه حزب بکمک مالی شما نیازمندیم.
کمک مالی خود را به نام رضا شلتوکی، شماره بانکی ۸۶۸، بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) شعبه سپید قره‌نی شمالی بپردازید.
توجه: پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه‌های بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) ممکن است.
ک م
لیلا با فروش دستبند
ماشاءالله از فروش روزنامه
۵۰۰۰ ریال
۱۵۰۰۰ ریال
۱۵۰۰ ریال

در این کشورها داوطلبان تحصیلات عالی، هم از میان بهترین استعدادها با شرکت در مسابقه ورودی دانشگاهها انتخاب میشوند، و هم کسانی که به دلیل شایستگی خود در حین اشتغال در کارخانه‌ها، مزارع و موسسات خدماتی، از سوی محل کار خود به دانشگاهها معرفی میشوند. شایسته است که در کشور ما نیز سیاستی در پیش گرفته شود، تا دانشگاهها خلقی شوند، زیرا بر اساس ضوابط انقلابی و خلقی، فرزندان خانواده‌های زحمتکش، که میهن‌دوستان راستین و انقلابیون واقعی هستند، خواهند توانست به دانشگاهها راه یابند. امید آنست که با انتخاب آدمی دکتر با هنر به سمت وزیر آموزش و پرورش، هر روز شاهد اقدامات و تصمیمات انقلابی این وزارتخانه باشیم.

هنرمندان توده‌ای انقلاب ایران را می‌شناساند

در روزهای ۱۸-۲۴ آبان ۵۹ برنامه‌های هنری متنوعی در چارچوب «هفته مبارزه هنرمندان برلین غربی» و زیر عنوان «هنرمندان برای صلح» در آن شهر برگزار شد. در این برنامه، «گروه نیش»، وابسته به «سازمان حزب توده ایران در برلین غربی» نیز شرکت داشت.

«گروه نیش» در روز ۲۲ آبان ۵۹ در برنامه مخصوص خارجی‌ان، بنام «بگذار خلقها خود سخن گویند»، شرکت کرد و با سرودن آهنگهای انقلابی، از جمله «سرود جهاد سازندگی»، توجه

خاص حاضران را بخود جلب کرد. انعکاس برنامه «گروه نیش» در مطبوعات نیز چشمگیر بود. برای نمونه، «دی واره‌ایت»، ارگان مرکزی «حزب سوسیالیست متحد برلین غربی» در این باره نوشت (۲۶ آبان ۵۹):

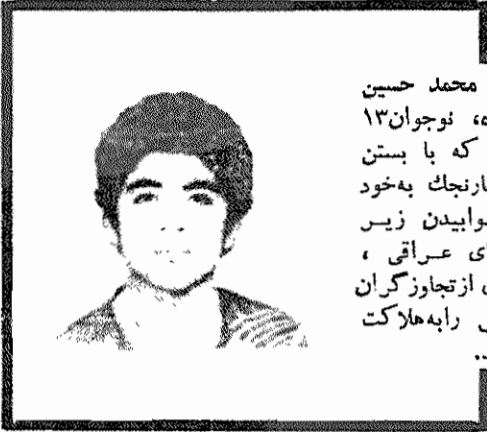
«گروه نیش»، که فعالیت خود را حدود یکسال و نیم پیش دوباره از سر گرفت، برای نخستین بار در شهر ما روی صحنه ظاهر شد. بیست خواننده مرد و زن و پنج نوازنده گروه

با تمرکز بسیار کار می‌کنند. موضع آنها روشنگر آنست که میدانند برای چه میخوانند. آنها از این نیز فراتر میروند و به معرفی موسیقی انقلابی و فولکلور نقاط مختلف کشور خود می‌پردازند. آنها نه تنها مضمون سرود را توضیح میدهند، بلکه همچنین درباره چگونگی‌بیدایش و وظیفه مشخص‌سرایش آن‌سخن می‌گویند. شنونده، باین ترتیب، با تاریخ ایران از آغاز سده کنونی آشنایی فراوان می‌یابد. تنظیم و تقسیم پرتو «گر»

که در آن سولیتها و یا گروههای سولیت (مثلا پنج صدای زن)، در تصاد با مجموع کر و یا بخش اعظم آن قرار داده میشوند، عالی است. علاوه بر این، تأثیر هنری صدا سبب میگردد که شنوندگان در تمام مدت سرایش یازده ترانه به زبان فارسی، با تمرکز کامل برنامه را دنبال کنند. سازهایی که در تنظیم آنها مهارت کمتری بکار رفته است (دو ضرب، ماندولین، چنگ و سنتور)، به نوازی متنوع و کامل گروه کمک می‌کنند.

(به نوباره شهید، محمدحسین فهمیده)

چنین کودک! زهستی دل تهی کردن روا باشد؟



شهید محمد حسین فهمیده، نوجوان ۱۳ ساله، که با بستن چند نارنجک به خود و خوابیدن زیر ناکهای عراقی، تعدادی از تجاوزگران صدامی را به هلاکت رسانید.

سخن از قهرمانیها به کشورها فراوان بود و اینک سرزمین‌ماست، کان افسانه میسازد سخن از تو است، ای نوباره، زیر کوه پولادین ترا پیکر چو خوبین غنچه شد پسرپر...

چنین کودک! ز هستی دل تهی کردن روا باشد؟ ولی «فهمیده» نسامت بود، بی شک نیک فهمیدی، ته بهر حق فناکشتن رهی سوی بقا باشد.

سپردی صبحگاه جان به موج سرکش آتش که نا ایمن زید مام از عدوی دل سیاه تو. نگاه آرزومندت، چه شیدائی است، چه بی‌غش! عیان آئینه آینده باشد در نگاه تو.

چهدشوار است این باور که آن فرزند گل‌پیکر تن خود ساخت خاکستر درون شعله آذر

زیاد خویش در من افتخار و غم در آمیزی ندارمشک، تو، شهیاز جوان، با سیر جادویی چه سوادها که سوی «اوج»، در جانها برانگیزی.

شهید نوجوان! بادا نثار تو درود من! که فصلی نوکنند آغاز خون‌افشان بهار تو. سرودم بی‌بها باشد، تویی زیبا سرود من، که شعر ماندگار ماست در دل یادگار تو.

به سیر پلکان رنجها و رزمها، ایران! فراتر شو! فراتر شو! که بس «فهمیده»ها داری. ز کودک تا به پیر مو سپید گوژپشت، اینک درون لشکر خود، بی‌امان رزمیده ها داری.

سخن از قهرمانیها به کشورها فراوان بود و اینک سرزمین‌ماست کان افسانه میسازد...

ط. آذر ۵۹

شورای جهانی صلح

خواستار مبارزه جهانی برای آزادی زندانیان ایرلند شمالی شد

شورای جهانی صلح، با صدور اعلامیه‌ای، خواستار مبارزه جهانی بنفع زندانیان مبارز ایرلند شمالی شد. شورای جهانی صلح دولت انگلستان را مسئول رویدادهای جاری در ایرلند شمالی دانست و تأکید کرد:

«انگلستان ابتدائی‌ترین حقوق و آزادیهای مردم ایرلند شمالی را نقض کرده است.»

از سوی دیگر، کمیته کمک به مردم ایرلند شمالی نیز از جامعه جهانی خواسته است که به رفتار مقامهای انگلیسی با زندانیان مبارز ایرلند شمالی رسیدگی کنند. این کمیته در بیانیه‌ای که در سازمان ملل متحد منتشر کرد، یادآور شد که تنها گناه زندانیان ایرلند شمالی، که برای احقاق حقوق خود دست به اعتصاب غذا زده‌اند، مبارزه برای آزادی ایرلند شمالی از زیر یوغ استعمار انگلیس است.

به گزارش پراودا:

امپریالیسم آمریکا در

تلاش برای ایجاد یک

پیمان امنیتی با کشور

های مرتجع عرب است

روزنامه پراودا، ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، در مقاله‌ای، ضمن اشاره به گزارش هفته‌نامه انگلیسی «آبزرور»، نوشت: «آمریکا تلاش دارد با ایجاد یک باصطلاح پیمان امنیتی جدید در خلیج فارس، پاره‌ای از کشورهای عرب منطقه را به طرح‌های توسعه طلبانه خود بکشاند.»

پراودا تأکید کرد که آمریکا تلاش دارد این پیمان را میان عربستان سعودی، امارات عربی متحده، قطر، بحرین و عمان ایجاد کند.

پراودا ضمن اشاره به مقاله «آبزرور» نوشته است: «لرد کارینگتون، وزیر خارجه انگلیس، نقش رابط را میان این کشورهای عربی و آمریکا ایفاء می‌کند. بگفته کارینگتون «پیمان امنیتی» با غرب همکاری نزدیک خواهد داشت.»



بوریس پاناماریف:

اتحاد شوروی در راه تحکیم صلح جهانی و برای کاهش تشنجات و خطر جنگ مبارزه می‌کند

بوریس پاناماریف، عضو مشاور دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، که در راس یک هیئت کمیسیون امور خارجی شوروی عالی اتحاد شوروی (پارلمان شوروی) به فرانسه سفر کرده است، ضمن ملاقات با هیئت نمایندگی پارلمان فرانسه، سخنرانی مشروحی درباره اوضاع جهانی ایراد کرد. پاناماریف در این سخنرانی از جمله گفت:

«اتحاد شوروی برای عادی شدن واقعی و ثبات اوضاع بین‌المللی و تحکیم صلح جهانی تلاش می‌کند و علیه خطر جنگ و برای کاهش تشنجات و پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی و در راه همزیستی مسالمت‌آمیز میان کشورهای دارای نظامهای اقتصادی - اجتماعی متفاوت و توسعه همکاری بین‌المللی متقابلاً سودمند مبارزه می‌کند. این مسیر، هدفهای انسانی اتحاد شوروی را در سیاست خارجی بوضوح نشان میدهد.»

بوریس پاناماریف تأکید کرد:

«فعالتهای روزمره شوروی در صحنه جهانی تأکیدی بر این واقعیت است. تازه‌ترین نمونه آن دیدار اخیر لئونید برژنف از هند است که در جریان آن، اتحاد شوروی وفاداری خود را به تشنج‌زدایی، خلع سلاح و همزیستی مسالمت‌آمیز بار دیگر یادآور شد و ابتکاری بسیار مهم را در زمینه حل و فصل سیاسی اوضاع بسیار خطرناک خلیج فارس عرضه کرد.»

پاناماریف در سخنان خود همچنین به تلاشهایی که در جهت تشدید وخامت اوضاع جهانی انجام میگردد اشاره کرد و گفت: «اوضاع جهانی بر اثر تلاش نیروهای معینی به وخامت گرایده است. برای مقابله با این گرایش منفی لازم است، همه نیروهای که عقیده دارند تشنج‌زدایی تنها راه درست است، نیروهای خود را هماهنگ سازند.»

وی افزود: «عوامل اصلی وخامت اوضاع جهانیسیاستهای آمریکا و ناتو در زمینه کسب برتری نظامی و استفاده از نیروی مسلح برای تأمین «منافع حیاتی» آمریکا است که عملاً تمام جهان را حوزه «منافع حیاتی» خود اعلام کرده است. آمریکا و چند کشور دیگر غربی، که برای خود وظیفه برهم زدن تعادل موجود نیروها را در جهان قائل هستند، بازی با ورق «چین» را آغاز کرده‌اند و تلاش دارند از شوینیسیم عظمت‌طلبانه پکن در سیاست خارجی بنفع خود استفاده کنند. رهبری پکن نیز در این میان، قبل از هر چیز دیگر، به کشورهای غربی توصیه می‌کند که به جنگ سرد و رویارویی با اتحاد شوروی بازگردند.»

پاناماریف در قسمت دیگری از سخنان خود گفت: «مخالفان تشنج‌زدایی میدانند که در شرایط کنونی نمی‌توانند آشکارا تشنج‌زدایی را مورد حمله قرار دهند و بنابراین به تبلیغات پرا سرور صدای دست زده‌اند و تلاش دارند که اقدامهای خود را، که برای صلح خطرناک است «اقدام دفاعی» جلوه‌گر سازند.»

وی تأکید کرد: «هیچکس در اتحاد شوروی نیازی به جنگ ندارد. هیچکس در اتحاد شوروی نمی‌تواند خبری از جنگ و یا تدارک برای جنگ بدست آورد. اتحاد شوروی خواهان منابع مواد خام در کشورهای دیگر نیست و نمی‌خواهد مرزهای خود را گسترش دهد. ما هیچگونه ادعای ارضی بر هیچ کشوری نداریم. در مقابل، همه می‌دانند که چند کشور معین نسبت به اتحاد شوروی ادعای ارضی دارند.»

بوریس پاناماریف همچنین گفت: «محدود کردن مسابقه تسلیحاتی و اتخاذ تدابیری جهت کاهش ذخایر سلاحهای هسته‌ای مهمترین مسئله مبارزه برای تداوم و تحکیم تشنج‌زدایی است. واقعیت دوران کنونی چنان است که بسیاری از مسائل مبرم به بهبود اوضاع بین‌المللی و پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی و بویژه مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای و اجرای موافقت‌نامه‌های میان اتحاد شوروی و آمریکا بستگی دارد. اتحاد شوروی برای ابتکارهای کشورهای اروپای غربی و فرانسه نیز اهمیت زیادی قائل است.»

پاناماریف همچنین اهمیت اتخاذ تدابیر موثر برای کاهش مقابله نظامی در اروپا را مورد تأکید قرار داد.

بیکاری در کشورهای

عضو بازار مشترک در

عرض یکسال، ۲۱٪

افزایش یافته است

بولتن ماهانه بازار مشترک اعلام کرد که در سپتامبر سال جاری، تولیدات صنعتی کشورهای عضو این بازار، در مقایسه با سال قبل، ۶ درصد کاهش یافته و بیکاری افزایشی حدود ۲۱ درصد خواهد داشت. آمارهای این بولتن نشاندهنده وخامت روزافزون اوضاع اقتصادی کشورهای عضو بازار مشترک است. در انگلستان شمار بیکاران در عرض یکسال ۵۰ درصد افزایش یافته است.

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM

No. 399 20 December 1980

Price: West-Germany 0.80 DM, France 2 Fr., Austria 8 Sch., England 20 P., Belgium 10 Fr., Italy 350 L., U.S.A. 40 Cts, Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۹ منطقه ۱۴ پستی تهران

در پیام حزب کمونیست اتحاد شوروی به کنگره دوم حزب کمونیست کوبا:

همبستگی اتحاد شوروی با کوبای سوسیالیستی مورد تأکید قرار گرفت

دومین کنگره حزب کمونیست کوبا در هارانا به کار خود ادامه می‌دهد. در آغاز کار کنگره، فیدل کاسترو دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا، طی گزارشی اوضاع کشور را تشریح کرد و پیشرفتهای اقتصادی کوبا را بیان نمود.

در کنگره حزب کمونیست کوبا، نمایندگان بسیاری از احزاب کمونیست برادر شرکت دارند. هیئت نمایندگی حزب کمونیست اتحاد شوروی، که در این کنگره به ریاست کنستانتین چرننکو، عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی شرکت کرده است، پیامی از جانب کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به حزب کمونیست کوبا تقدیم کرد. در این پیام ضمن تهنیت به مناسبت برگزاری کنگره، گفته می‌شود:

«کوبا به اتفاق دیگر کشورهای سوسیالیستی سیاست تشنج‌زدایی و حفظ صلح را دنبال می‌کند و سرسختانه در راه سالم‌سازی فضای جهان مجاهدت می‌ورزد. این کشور همچنین فعالانه در جنبش عدم تعهد شرکت می‌کند»

در پیام حزب کمونیست شوروی، همبستگی اتحاد شوروی با کوبای سوسیالیستی مورد تأکید قرار گرفته است.